



معماری در اقلیم گرم و خشک

دوفصلنامه علمی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد
سال دهم - شماره پانزدهم - بهار و تابستان ۱۴۰۱
ISSN: 2645-3711



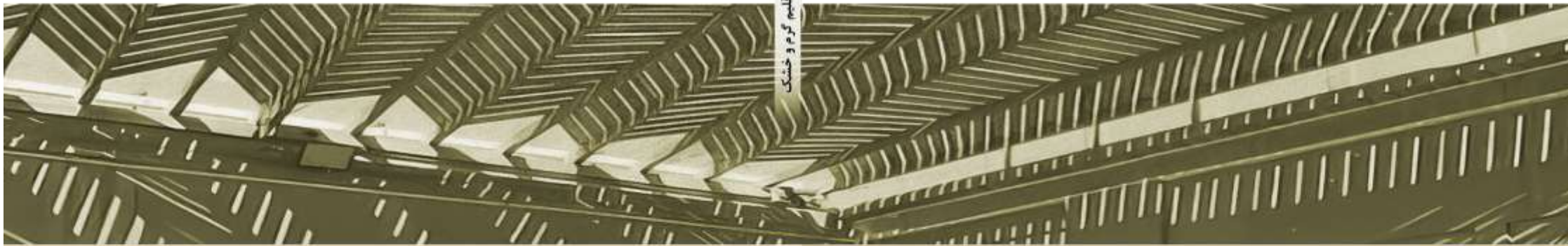
دوفصلنامه علمی معماری اقلیم گرم و خشک

ARCHITECTURE IN HOT AND DRY CLIMATE

Yazd University- Faculty of Art & Architecture
spring & summer, Vol. 10, No. 15, 2022
ISSN: 2645-3711



Yazd University



- **بازشناسی و بازخوانی ملاحظات نجومی در طرح‌اندازی میدان نقش جهان اصفهان**
یاقوت گلشنی، علانمرا کبانی دهکلی، ابرج صفایی
- **واکاوی تأثیر فرهنگ بر مسکن بلوچ‌ها از طریق سیپهرنشانه‌های یوری لوتمان**
سحر رستگار زاده
- **بازخوانی الگوی معماری آیینی دوره قاجار (مطالعه موردی: حسینیه‌های ماداب، پهلوان، حاج‌نایب، دیزچه و درب‌باغ، کاشان)**
فصل سلطه میرزا کسبلی، بابی رستگارزاده
- **ارزیابی اجتماع‌پذیری حیاط‌علیین در دانشکده هنر و معماری یزد بعد از افزودن پوشش متحرک چوبی آن**
حسین پورمهدی قائم‌مطلبی، آزاده خانی قهر، آرمن حدیقلیان
- **تأثیر سیاست‌های آموزشی بر کالبد معماری مدارس دوره اسلامی نمونه موردی: مدارس دوره تیموری و صفوی**
مهسا بهداروند، حامد حبیبی
- **بررسی میزان و چگونگی کاربرد تناسب در شمسه‌های کاشی‌کاری شده مساجد شیخ لطف‌الله و سید اصفهان**
فلامنما هاشمی، مریم جعفری‌خانی، فواد کامیار
- **بررسی دگرگونی‌های الگوهای معماری مساجد مردمی در ابتدای مدرنیته در ایران نمونه موردی: مساجد شهر قم در اوایل دوره پهلوی**
سعود نازی، مهدی مصحح
- **بررسی ساختار معماری کبوترخانه میرزا احمد گورت (نوآوری در افزایش تولیدات کشاورزی)**
محمد بدیع‌گوری، حسن اکبری، مصعب اسیری
- **منطق چیدمان فضایی سکونتگاه‌های یزد بر اساس فئات**
سیده شیری
- **تبیین رابطه نورگیری فضا با مزاج زنان خانه‌دار: مطالعه مقدماتی در اقلیم گرم و خشک کرمان**
وحیده رحیمی مهر
- **واکاوی معماری خانقاه‌های یزد**
ناوید امینی حسینی
- **تحلیل تمثیلی دولت‌خانه‌های صفوی در اقلیم اصفهان**
سانیا محمندی خیرآزان، سید امیر سعید محمودی، بهمن تقی‌مطلق

سال دهم - شماره پانزدهم - بهار و تابستان ۱۴۰۱

- **Recognizing and Rereading Astronomical Considerations in the Planning of Naqsh-e Jahan Square in Isfahan**
- **Analysis of the Impact of Culture on Baluch Housing through the Semiosphere of Iurii Lotman**
- **Rereading the Pattern of Ritual Architecture of the Qajar Period (Case study: Madab Hosseinieh, Pahlavan, Hajonayeb, Dizcheh and Darbbagh, Kashan)**
- **Evaluating the Sociability of "Elleien Yard" in the Yazd University's Art and Architecture School after Applying its Retractable Wooden Cover**
- **The Impact of Educational Policies on the Islamic Schools Architecture. Case Study: Timurid and Safavid eras**
- **A study of the amount and method of using of ratios in tiled Shamseh patterns in two mosques of Sheikh Lotfollah and Seyed Isfahan**
- **Development of patterns of popular mosques of early modern era of the city of Qom**
- **Investigation of the architectural structure of Mirza Ahmad Gavart Pigeon House.**
- **Space syntax logic of Yazd settlements based on Qanat**
- **Explaining the Relationship between Space Lighting and the temperament of housewives: a pilot study in the hot and dry climate of Kermand**
- **Study of the architecture of Khanegah in Yazd**
- **Allegorical Analysis of the Safavid Government House in the Climate of Isfahan**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



نشریه معماری اقلیم گرم و خشک. سال دهم، شماره پانزدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱

ISSN: 2645-3711

ناشر: دانشگاه یزد

مدیرمسئول: دکتر کاظم مندگاری

مدیر اجرایی: دکتر عاطفه شهبازی

زمینه انتشار: معماری

صاحب امتیاز: دانشگاه یزد

سر دبیر: دکتر علی غفاری

مدیر داخلی: دکتر علی شهابی نژاد

هیات تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

- | | |
|---|-----------------------------------|
| دانشیار دانشکده هنر و معماری - دانشگاه یزد | ۱- دکتر سید محمد حسین آیت اللهی |
| دانشیار دانشکده هنر و معماری - دانشگاه یزد | ۲- دکتر رضا ابویی |
| استاد دانشکده هنر و معماری - دانشگاه تهران | ۳- دکتر شاهین حیدری |
| استاد گروه جغرافیا - دانشگاه یزد | ۴- دکتر محمد حسین سرائی |
| استاد گروه شهرسازی - دانشگاه شهید بهشتی تهران | ۵- دکتر علی غفاری |
| استاد گروه معماری - دانشگاه شهید بهشتی تهران | ۶- دکتر هادی ندیمی |
| دانشیار دانشکده هنر و معماری - دانشگاه یزد | ۷- دکتر محمدرضا نقصان محمدی |
| دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران | ۸- دکتر سیدعباس یزدانفر |
| استاد دانشگاه تهران | ۹- دکتر پیروز حناچی |
| استاد دانشگاه شهید بهشتی | ۱۰- دکتر حمید ندیمی |
| استاد دانشگاه علم و صنعت | ۱۱- خانم دکتر فاطمه مهدیزاده سراج |

ویراستار علمی - ادبی: مهندس سید محمدرضا قدکیان

طراحی جلد و لوگو: مهندس شهاب الدین خورشیدی

ویراستار انگلیسی: دکتر احمد اسلامی زاده

عکس روی جلد: حیاط علیین دانشکده هنر و معماری یزد

نشانی: یزد، خیابان امام خمینی، کوچه سهل بن علی، دانشکده هنر و معماری، دفتر مجله معماری اقلیم گرم و خشک

تلفن: ۰۳۵۳۶۲۲۹۸۵

تارنمای نشریه: <http://smb.yazd.ac.ir>

پست الکترونیکی: ahdc@journals.yazd.ac.ir

سیستم نشریه معماری اقلیم گرم و خشک دسترسی آزاد بوده و استفاده از مطالب و کلیه تصاویر آن با ذکر منبع بلامانع است.

نشریه معماری اقلیم گرم و خشک پس از چاپ در پایگاه اطلاع رسانی مجلات علمی و تخصصی ایران (magiran.com) پایگاه مجلات تخصصی نور (noormags.ir)، ISC و Google scholar نمایه می‌شود.



اسامی داوران این شماره:

فاطمه	باقری
علی	بامداد
زهرا	برزگر
آزیتا	بلالی اسکویی
محمود	پورسراجیان
محمد	جمشیدیان
محمدرضا	حاتمیان
محمد حسن	خادم زاده
جمشید	داوطلب
سمیه	ذهاب
لیلی	ذاکرعاملی
حسین	راعی
محمد	رضایی ندوشن
حسین	سرفراز
محمد حسن	طالبیان
سید محمد رضا	قدکیان
علی	کبیری سامانه
نادر	کریمیان سردشتی
محسن	کشاورز
مصطفی	کیانی
هادی	لوک زاده
علیرضا	مستغنی
امین	محمود زاده
امیر محمد	معززی مهرطهران
شهریار	ناسخیان
ذات الله	نیک زاد
نیما	ولی بیگ
عباس	یزدان فر

فهرست

شماره صفحه

- ۱-۳۲ بازشناسی و بازخوانی ملاحظات نجومی در طرح اندازی میدان نقش جهان اصفهان
یاغش کاظمی، غلامرضا کیانی ده کیانی، ایرج صفایی
- ۳۳-۴۸ واکاوی تأثیر فرهنگ بر مسکن بلوچ‌ها از طریق سپهر نشانه‌ای یوری لوتمان
سحر رستگارژاله
- ۴۹-۷۶ بازخوانی الگوی معماری آیینی دوره قاجار (مطالعه موردی: حسینیه‌های ماداب، پهلوان، حاج‌نایب، دیزچه و درب‌باغ، کاشان)
عسل ستار، بهرام گسیلی، یاور رستم زاده
- ۷۷-۹۳ ارزیابی اجتماع‌پذیری حیاط‌علین در دانشکده هنر و معماری یزد بعد از افزونه پوشش متحرک چوبی آن
حسین پورمهدی قائم مقامی، آزاده خاکی قصر، آرمان صدیقیان
- ۹۴-۱۱۴ تأثیر سیاست‌های آموزشی بر کالبد معماری مدارس دوره اسلامی نمونه موردی: مدارس دوره تیموری و صفوی
مهسا بهداروند، حامد حیاتی
- ۱۱۵-۱۳۴ بررسی میزان و چگونگی کاربرد تناسبات در شمسه‌های کاشی‌کاری شده مساجد شیخ لطف‌الله و سید اصفهان
غلامرضا هاشمی، مریم حضوربخش، قباد کیانمهر
- ۱۳۵-۱۵۸ بررسی دگرگونی‌های الگوهای معماری مساجد مردمی در ابتدای مدرنیته در ایران نمونه موردی: مساجد شهر قم در اوایل دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۴۰ش)
مسعود ناری قمی، مهدی ممتحن
- ۱۵۹-۱۷۸ بررسی ساختار معماری کبوترخانه میرزا احمد گورت (نوآوری در افزایش تولیدات کشاورزی)
حسن اکبری
- ۱۷۹-۱۹۶ منطق چیدمان فضایی سکونتگاه‌های یزد بر اساس قنات
سمیه شهری
- ۱۹۷-۲۱۰ تبیین رابطه نورگیری فضا با مزاج زنان خانه‌دار: مطالعه مقدماتی در اقلیم گرم و خشک کرمان
وحیده رحیمی مهر
- ۲۱۱-۲۳۱ واکاوی معماری خانقاه‌های یزد
داوود امامی میدی
- ۲۳۱-۲۴۴ تحلیل تمثیلی دولت‌خانه‌ی صفوی در اقلیم اصفهان
ساینا محمدی خبازان، سید امیر سعید محمودی، بهمن نامورمطلق



مقاله پژوهشی

واکاوی معماری خانقاه‌های تاریخی یزد

داوود امامی میبدی^{*۱}

۱- گروه معماری دانشگاه پیام نور یزد

(دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۰، پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۸)

چکیده:

از اوایل قرن پنجم هجری که حکومت شیعی آل بویه در یزد مستقر شد؛ تا حکومت آل مظفر، نوعی استمرار و تداوم در فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی، وجود داشته، به طوری که کمتر دچار فراز و فرودهای اجتماعی گردیده و در نتیجه، بستری آرام، برای فعالیت‌های شهری، فراهم شده بوده است. وجود چنین زمینه‌هایی، باعث گردید عرفا و شیوخ صوفیه مانند شیخ دادا، شیخ علی بنیمان، شیخ احمد فهادان و... در این منطقه سکنی گزینند و یزد به عنوان یکی از کانون‌های جذب متصوفه، مشهور گردد. بنابراین با توجه به کاربرد زیاد خانقاه در متون تاریخی یزد و عدم انجام پژوهشی مستقل درباره معماری آن‌ها، به این موضوع پرداخته شده است. روش پژوهش، تحلیلی-تاریخی و منبع اصلی آن، منابع تاریخی، مانند کتاب تاریخ یزد، تاریخ جدید یزد و جامع مفیدی است. این پژوهش، ابتدا به معرفی خانقاه‌های ذکر شده در منابع تاریخی سده‌های میانی یزد (از دوره اتابکان تا دوره تیموری)، پرداخته و با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از آن‌ها، متعلق به دوره آل مظفر هستند؛ با تأکید بر این دوره، نگاشته شده است. مقاله پس از معرفی ویژگی‌های معماری خانقاه‌ها در متون تاریخی، به معرفی و مقایسه تطبیقی فضاهای معماری خانقاه‌ها پرداخته است. فضاهای مورد بررسی، شامل ورودی، صحن، ایوان، گنبدخانه و چله‌خانه هست. از این مقایسه تطبیقی، جهت رسیدن به دسته‌بندی الگوهای معماری خانقاه در یزد استفاده شده است. در نهایت سه گونه معماری خانقاه‌های یزد معرفی شده است؛ الگوی اول ترکیب گنبدخانه و ایوان ورودی، الگوی دوم به صورت خانقاه‌هایی با حیاط‌های هشت‌ضلعی و گونه سوم برگرفته از الگوی مدارس بومی هستند.

کلمات کلیدی: خانقاه، معماری، یزد، گونه شناسی.

۱- مقدمه:

معماری خانقاه که بخش زیادی از ساخت‌وسازهای یزد در قرون میانی را تشکیل می‌دهد؛ در پرده ابهام قرار دارد. هرچند در منابع تاریخی محلی، به کرات از خانقاه نام برده شده است ولی شواهد و آثار باقیمانده از آن کمیاب هست؛ که یکی از دلایل آن، تغییر کاربری خانقاه به حسینیه در دوران صفوی است به طوری که امروز، بعضی از خانقاه‌های پیش از صفوی، حسینیه نامیده می‌شود (ناری قمی، ۱۳۹۴: ۲۵). تاریخ بودن معماری خانقاه پیش از دوره صفوی، باعث شده بخشی از تاریخ معماری مورد غفلت قرار گیرد و بعضی محققان ایرانی و خارجی، خانقاه را خالی از هرگونه معماری مشخصی بدانند. از جمله می‌توان به مقاله جانانان به بلوم اشاره نمود که خانقاه را برخلاف مدرسه، فاقد نقشه‌ای خاص می‌داند (بلر و بلوم، ۱۳۹۱).

هیلن برند نیز در کتاب معماری اسلامی، خانقاه را بیشتر به مفهوم نهاد می‌داند تا یک نوع ساختمان خاص (هیلن برند، ۱۳۸۳: ۲۲۰). برای شناخت کلان و جامع از معماری خانقاه باید ابتدا خانقاه را در پژوهش‌های خرد و معماری محلی بررسی کرد و نتایج حاصل از این پژوهش‌ها را در کنار هم قرارداد تا معماری خانقاه در دوره‌های مختلف و تصویر کلان آن به دست آید. این مقاله دوره اتابکان تا تیموری یزد را مورد مطالعه قرار داده است ولی بیشتر خانقاه‌های مورد بررسی متعلق به دوره آل مظفر هست. دوره آل مظفر یکی از دوره‌های مهم در تاریخ منطقه یزد است؛ چراکه برای نخستین بار این خطه، در طی حیات دیرینه‌اش، سلسله‌ای را در درون خود پروراند که بیش از نیم قرن، حکومت بر نواحی جنوبی و مرکزی ایران را در دست داشت (میرحسینی، ۱۳۷۲). بر اساس شواهد موجود و گواهی متون محلی، در این دوره رونقی در ساخت‌وساز ایجاد می‌شود و همین امر باعث می‌گردد برج و باروی شهر یزد در طی چندین مرحله توسعه یابد و بخش‌هایی از محلات خارج از حصار به مجموعه داخل آن اضافه شوند (کاتب، ۱۳۴۵: ۶۹). وقتی در سال ۷۱۸ ه. ق حاکمان مظفری حکومت را به دست گرفتند، معماری یزد تسلسل یافت و بر پایه علم هزارساله با حمایت سردمداران محلی که در کشور به‌عنوان یکی از مطرح‌ترین قدرت‌ها نمود داشتند، سبکی بنیان نهاده شد که خلوص کامل ایرانی، بری از سلايق ترک و مغول و عرب و افغان را ارائه می‌نماید شیوه‌ای که می‌توان آن را سبک مظفری نام نهاد^۱ (ذاکر عاملی و اسفنجاری، ۱۳۸۵: ۲۰۷). پس از دوره آل مظفر، خانقاه سازی ادامه پیدا نمود و این کوشش انسانی در ساختن ابنیه اجتماعی در عهد شاهان تیموری همچنان پیگیری شده است (کیانی، ۱۳۸۱: ۲۲۳). ساخت خانقاه در سده نهم به گستردگی دوران قبل نبود و مسئله خانقاه سازی از قرن دهم دچار فترت گردیده است؛ بنابراین این مقاله به‌واسطه اینکه بیشتر خانقاه‌های یزد در دوران آل مظفر ساخته شده با تأکید بر این دوره تاریخی به نگارش درآمده است. در این مقاله از میان فضاهایی که امروزه به‌عنوان خانقاه شناخته می‌شود، شش بنا مورد مطالعه قرار گرفته است. در میان نمونه‌های مورد بررسی بعضی به‌صراحت در متون قدیمی نام برده شده است مانند خانقاه سلطان محمود بندرآباد و یا خانقاه بنیمان بیداخوید و سراب نو. برخی خانقاه‌ها بر اساس قدمت و موقعیت می‌توان احتمالاً خانقاهایی دانست که در دوره آل مظفر توسط افرادی همچون سید رکن‌الدین، فرزندش و یا شیخ تقی‌الدین دادا و دیگران برپا شده است (خانقاه شیخ محمدمیبد و خانقاه شمسیه و خانقاه بابک).

پرسش‌های پژوهش:

- ۱- به استناد متون تاریخی به چه ویژگی‌هایی از معماری خانقاه‌های یزد می‌توان دست پیدا نمود؟
- ۲- معماری خانقاه‌های به‌جامانده یزد دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟
- ۳- معماری خانقاه‌های تاریخی یزد را به چندگونه می‌توان دسته‌بندی کرد؟

۲- پیشینه نظری تحقیق:

پیشینه مطالعات خانقاه در منطقه تاریخی یزد به خاطر دورافتاده بودن و مکشوف نبودن آثار به اواسط قرن بیستم برمی‌گردد. از جمله اولین پژوهش‌هایی که می‌توان اشاره کرد "معماری تیموری ایران و توران" نوشته دونالد ویلبر و لیزا گلمبگ می‌باشد که این مقاله هم به آن پرداخته است (ویلبر و گلمبگ، ۱۳۷۴). یکی دیگر از منابع معتبر معماری در حوزه معماری یزد کتاب "یادگارهای یزد" نوشته ایرج افشار می‌باشد که با نگاهی تاریخی به معرفی معماری بناهای این خطه پرداخته است (افشار، ۱۳۵۴). ایرج افشار در مجله صوفی چاپ شده در لندن به معرفی اجمالی خانقاه‌های منطقه یزد بر اساس متون تاریخی پرداخته است. ایرج افشار در مقاله‌ای با عنوان «خانقاه‌های یزد»، فهرستی از خانقاه‌ها ترتیب داده است (افشار، ۱۳۷۷: ۱۸۳ - ۱۸۹). همچنین افشار در جلد ۲ یزد نامه باز به معرفی خانقاه‌های یزد اشاره نموده است. تشکری بافقی در مقاله‌ای به بررسی عوامل رونق و رواج تصوف در شهر یزد می‌پردازد (تشکری، ۱۳۹۱). کتاب «معماری دوره آل مظفر یزد» هرچند به معماری خانقاه در یزد نمی‌پردازد ولی به بررسی معماری آل مظفر و بناهای مرتبط با آن در شهر یزد پرداخته است (خادم‌زاده، ۱۳۸۷). یکی از منابع اصلی تحقیق درباره خانقاه، کتاب «تاریخ خانقاه در ایران» است که همانند ایرج افشار فقط به معرفی خانقاه‌ها می‌پردازد و وارد مطالعات معماری خانقاه‌ها نمی‌شود (کیانی، ۱۳۸۹). حمیدرضا توسلی در «خانقاه‌های تاریخی ایران»، به معرفی کلی برخی بناهایی پرداخته است که به خانقاه معروف است (توسلی، ۱۳۷۶: ۳۷۹-۳۹۸). محمد کریم پیرنیا درباره طرح معماری خانقاه به صورت اجمالی سخن گفته است (پیرنیا، ۱۳۸۰: ۳۶۹) ولی غلامحسین معماریان در کتاب «معماری ایرانی» بخشی را به معرفی معماری خانقاه اختصاص داده است که بخش‌هایی از آن برگرفته شده از کتاب محسن کیانی است (معماریان، ۱۳۸۷). رابرت هیلن براند در بخش مدارس کتاب «معماری اسلامی» به موضوع خانقاه اشاره نموده است و تنها به ذکر چند نمونه بسنده نموده است و اصول معماری مدرسه را به خانقاه نسبت داده است (هیلن براند، ۱۳۸۳). اوکین نیز در کتاب «معماری تیموری در خراسان» با نگاهی دقیق به معرفی خانقاه‌های تیموری منطقه خراسان پرداخته است (اوکین، ۱۳۸۶). در زمینه معماری ایلخانی همچنین کتاب معماری «اسلامی ایران در دوره ایلخانی» نوشته دونالد ویلبر قابل بررسی و ارجاع است. در این کتاب نویسنده در نهایت به ویژگی‌های کلی معماری ایلخانی دست پیدا می‌کند (ویلبر، ۱۳۹۳). جاناتان بلوم مقاله‌ای درباره خانقاه در دانشنامه هنر و معماری اسلامی گروو نوشته است (بلر و بلوم، ۱۳۹۱). بخش‌هایی از مقدمه محمدرضا شفیعی کدکنی بر اسرارالتوحید، جنبه‌هایی از زندگی در خانقاه و شئون آن را روشن می‌کند؛ اما راجع به معماری خانقاه نیست (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹). در آثار عبدالحسین زرین کوب درباره تصوف، نیز نکاتی درباره خانقاه هست (زرین کوب، ۱۳۸۹). یکی از مقالات خوبی که درباره خانقاه نوشته شده، مقاله «معماری گم‌شده: خانقاه در خراسان سده پنجم» است که به تبیین خانقاه‌های قرن پنجم خراسان بزرگ می‌پردازد (سلطانی و قیومی، ۱۳۹۳)؛ بنابراین مشخص می‌شود بیشتر تحقیق‌های که انجام شده معطوف به معرفی معماری بناهایی است که به بنام خانقاه نامیده شده است و به مبحث شناسایی معماری خانقاه‌های محلی و گونه‌شناسی معماری خانقاه اقدام نموده است.

۳- روش‌شناسی تحقیق:

این پژوهش بر مبنای اسناد و مدارک تاریخی و همچنین مطالعات میدانی صورت گرفته است. پژوهش حاضر با رویکرد تاریخی - تحلیلی، به تبیین جایگاه گونه‌های خانقاه‌های یزد پرداخته است. ساختار این مقاله برگرفته شده از روش پژوهشی به کاررفته در خانه‌های مظفری میبد بوده و از «کتاب میبد شهری که هست» به عنوان الگوی مطالعاتی استفاده شده است. این مقاله پس از مطالعات تاریخی و بررسی معماری خانقاه در متون تاریخی به مقایسه تطبیقی بین فضاهای مشترک خانقاه‌ها پرداخته است. سپس بر اساس این فضاها به گونه شناسی خانقاه‌ها موجود پرداخته شده است. این تجزیه و تحلیل معماری در جهت رسیدن به دسته‌بندی کلی خانقاه‌های یزد هست. محدوده جغرافیایی موردپژوهش این مقاله شهر یزد روستاهایی اطراف یزد که در متون تاریخی از آن‌ها نام برده شده است. خانقاه‌هایی که در مطالعات مورد استفاده قرار گرفته‌اند در شهرهای یزد، میبد و روستاهای بندرآباد و بیداخوید قرار دارند.

۳-۱- خانقاه در دوره آل مظفر

هرچند در دوره آل مظفر از لحاظ دینی مردم بیشتر به مذهب شافعی معتقد بودند اما در شهر یزد با ورود دیالمه، پایه‌های تشیع تقویت گردید. از آن موقع به بعد بود که نوادگان ائمه از جمله مزار امامزاده جعفر (ع) را مورد احترام قرار می‌دادند. همچنین وجود شخصیت‌های علمی و مذهبی مانند سید رکن‌الدین که پایه‌گذار یکی از مراکز عمده آموزشی - مذهبی در آن موقع بود منشأ اقدامات عمرانی گسترده‌ای در سطح شهر و منطقه شد. لازم به ذکر است که در همین زمان غازان خان، ایلخان مغول، مذهب تشیع را اختیار کرد و پسر سید رکن‌الدین (سید شمس‌الدین) نیز داماد رشیدالدین فضل‌الله وزیر ایلخانان شد. با توجه به اینکه رشیدالدین منافی در یزد داشت همواره به این منطقه توجه می‌نمود. وجود چنین زمینه‌هایی بود که باعث گردید عرفا و شیوخ صوفیه مانند شیخ دادا، شیخ علی بنیمان، شیخ احمد فهادان و... در این منطقه سکنی گزینند و یزد را به عنوان دارالعباده هر چه بهتر معرفی نمایند (شمسه، ۱۳۸۵: ۹). حسینقلی ستوده می‌نویسد: «امیر مبارز الدین محمد در آغاز جوانی در ملازمت علماء و دانشمندان مانند شهاب‌الدین علی با عمران و شیخ‌الاسلام شرف‌الدین خضر و مولانا تقی الدین دادا محمد در یزد بسر می‌برد و آنان را مقتدای خود در کسب آداب دین و رسیدن بحد کمال ساخته بود» (ستوده، ۱۳۸۴: ۱۲۳). در دوره ایلخانان به دلایلی چون شکست در برابر یک دشمن و سلب توان مادی و معنوی مردم و به وجود آمدن محیطی که ایجاب توکل به خدا و بی‌اعتنایی به روزگار می‌کرد و تمایل قلبی عامه و خاصه به تصوف و حمایت و توجه ایلخانان و وزرای ایرانی آنان نسبت به تصوف و مشایخ آن، تصوف و خانقاه سازی گسترش یافت (استهروی، ۱۳۸۹). در دوران آل مظفر تصوف و خانقاه سازی رونق بیشتری گرفت. تشکری علت رشد تصوف را در تعلق خاطر رشیدالدین فضل‌الله به یزد، حمایت خانواده رکنیه از تصوف، ساده زیستی مشایخ صوفی و احترام سلاطین مظفری به مشایخ و علما می‌داند (تشکری، ۱۳۹۱: ۶۹). نکته مغفول رشد تصوف، توجه به جامعه‌شناسی فرهنگی - روانی است که عابد نیا به آن اشاره می‌کند. از نظر اجتماعی تصوف از قرن هفتم به بعد مقبول عامه شد، زیرا حمله مغول تأثیری مستقیم بر این امر داشت. سرخوردگی‌های مردم باعث رونق تصوف شد. مردمانی که از همه جا رانده و مایوس شده بودند به خانقاه پناه آوردند. این مسلک آن قدر طرفدار یافت که به شکل کلاسیک و علوم مدرسه‌ای درآمد و در ردیف سایر علوم آن زمان همچون فلسفه، کلام و فقه جای گرفت (عابد نیا، یوسف جمالی و میرحسینی، ۱۳۹۳: ۱۸۸). در حال باگذشت زمان صوفیان گروه مهمی را تشکیل دادند و مورد احترام سایر اقدار و طبقات از عالی و عامی و محکوم قرار گرفتند و خانقاه مأمّن عمومی به‌ویژه برای فقرا و بیچارگان شد. در این دوره تقریباً به موازات مدارس، خانقاه‌ها هم گسترش یافتند و دارای موقوفات بی‌شماری گشتند که درآمد آن‌ها در راه توسعه این اماکن، فقرا، درویش و مریدان صرف می‌شد (عابدنیا، یوسف جمالی و میرحسینی، ۱۳۹۳: ۱۹۰). باوجود پیوند تصوف با شهرنشینی، خانقاه‌های یزد، به‌سان دیگر مناطق، نیز عمدتاً در قراء و قصبات وابسته به شهر جای داشتند. اگر بر پایه قصد و نیت سازندگان قضاوت کنیم، ضرورت این مهم از دید مشایخ را می‌توان در: تغییر کاربری رباط‌ها به محلی در تجمع فقراء، سهولت شناسایی برای صوفیان و دوری از مسائل شهرنشینی دانست. از دیگر سو بر مبنای تلاش خاندان رکنیه در احیای فرهنگی - اقتصادی یزد، احداث خانقاه‌های آن‌ها در مسیر تجاری منطقه بر کارکرد این مؤسسات افزود (تشکری، ۱۳۹۱: ۷۰). انتساب ساخت سی خانقاه به شیخ تقی الدین دادا محمد، نشان از جایگاه وی در توسعه تصوف خانقاهی می‌باشد. پس از خاندان دادائیه، سهم عمده خانقاه‌های آل مظفر به همت خاندان رکنیه تعلق دارد. از مجموع چهل و پنج بنای خیریه نامبرده در وقف نامه جامع الخیرات، بیست و سه مورد آن‌ها از مستحدثات سید رکن‌الدین و مابقی متعلق به پسرش می‌باشد. در این میان سید رکن‌الدین با ساخت نه خانقاه و پسرش با پنج خانقاه برترین جایگاه را در حمایت از تصوف و تلاش در احیای اقتصادی یزد داشتند. از این‌رو اگر خانقاه‌های سید رکن‌الدین در قرای مجاور و یا در مسیرهای ارتباطی با یزد قرار داشت، سید شمس‌الدین نیز با الگوپذیری از پدر تمامی پنج خانقاه خود را در خارج از حوزه شهری احداث نمود (تشکری، ۱۳۹۱: ۷۳). همچنین با توجه به انتساب سی خانقاه در روستاهای اطراف یزد و یزد به دادا محمد، می‌توان نتیجه‌گیری نمود که بیشترین سهم در احداث خانقاه‌های بین‌راهی را صاحبان قدرت و یا بزرگان محلی داشتند. از مهم‌ترین کارکردهای خانقاه در طول تاریخ، توجه به درویشان و ارتقای اصول انسانی و اجتماعی بوده است، زیرا خانقاه یا مرکز تجمع صوفیان در آغاز تأسیس، محلی برای سکونت و تغذیه درویشان و درواقع مسافرخانه‌ای رایگان بود که غذا و مکان مجانی در اختیار مسافران و

غریبان و صوفیان قرار می‌داد و در آنجا از آنان پذیرایی می‌شد (کیانی، ۶۳: ۱۳۸۹). برای نمونه در وقف نامه جامع الخیرات نحوه پرداخت مواجب سالانه به خدمه یکی از این خوانق واقع در محله راس‌الرمل نزدیک دروازه مهریجرچد چنین آمده است «آشپز که مرتباً عهده‌دار پختن غذا و مراقبت فقراء واردین و خارجین می‌گردد به آنها می‌رساند هر ساله سالی دو بیست من غله موصوفه» (حسینی یزدی، ۱۳۴۱: ۴۱). در جنب گستردگی تصوف، احداث خانقاه‌ها در مسیرهای ارتباطی شهر آنها را به استراحتگاه‌هایی برای مسافران درآورد چنانکه اختصاص دو دینار وجه نقد برای تهیه غذای فقراء و مسافران مسلمان در خانقاه کوشک نو مبین چنین رویکردی است (تشکری، ۱۳۹۱: ۷۹).

بنا بر گزارش برخی از متون تاریخی و عرفانی در تاریخ ایران، خانقاه یک پدیده‌ی اجتماعی بوده است که پناهگاه درماندگان و آوارگان جنگ بوده است. آوارگانی که دو طرف جنگ هیچ‌کدام آنان را قبول نداشته‌اند و این خانقاه‌ها که معمولاً مهمان‌سرا و محل پذیرایی مسافران بود، با پول مردم و اشاره‌ی مردم ساخته می‌شد و بسیاری موارد با موقوفات اداره می‌شد (باستانی پاریزی، ۵۹: ۱۳۴۲). نقش پناهگاهی خانقاه در دوره آل مظفر نیز مشاهده می‌گردد برای نمونه در تاریخ جدید یزد آمده است: «... و هر هفته یک نوبت دروازه قطریان می‌گشودند و عورات و اطفال را بیرون می‌کردند و در روز میعاد شیخ تقی الدین دادا مقابل دروازه قطریان می‌ایستاد و چون عورات و اطفال مسلمانان از دروازه بیرون کردند شیخ بفرمودی تا ایشان را به خانقاه سرآب نو بردندی» (کاتب، ۱۳۴۵: ۸۴).

۳-۲- معماری خانقاه در متون تاریخی

بررسی خانقاه در متون تاریخی رهیافتی جهت فهم درست معماری خانقاه می‌باشد. فضاهایی که در کتب «تاریخ یزد» و «تاریخ جدید یزد» در ارتباط با خانقاه اشاره شده شامل: «ساباط»، «درگاه عالی»، «صفه»، «مصنعه»، «گنبد»، «حوض خانه»، «باغچه مشجر» است (جدول ۱). ساباط که در متون تاریخی به‌عنوان فضایی روح دار نام‌برده شده یکی از فضاهای جنبی معماری خانقاه بوده است^۲. درباره خانقاه جمال الاسلام چنین آمده است: «و خانقاه عالی در جنب مقبره و نهروی در خانقاه جاری کرد و ساباط مروح بر در مزار ساز کرد» (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۲۱). سردر بلند و رفیع که در متون تاریخی با عنوان «درگاه عالی» یاد شده یکی دیگر از فضاهای ورودی خانقاه می‌باشد. درباره عمارت سردر درون مجموعه خانقاه شیخ بنیمان بیدآخوید چنین ذکر شده: «عمارتی عالی بر در خانقاه بساخت از آجر تراشیده و اساس آن از سنگ و گچ نهاد و درگاه عالی مفتوح کرد و فخرمدینی نهاده و بر هر طرفی گنبد عالی راست کرد و بر بالای هر یکی غرفه‌های نیکو ساخته و دارافزون چوبین نهاده» (کاتب، ۱۳۴۵: ۱۴۹). سردر با تناسب کشیده یکی از مشخصه‌های ورودی خانقاه‌های این دوره است. با توجه به موقعیت استقرار خانقاه‌ها که معمولاً در خارج بافت فشرده مرکزی شهر (شارستان) هستند (همانند خانقاه شیخ داد و شمسیه)، نقش هدایت‌کنندگی و دعوت‌کنندگی سردر بلند را تقویت می‌نماید (ذاکرعاملی و اسفنجاری، ۱۳۸۵: ۱۷۸). یکی دیگر از اجزای معماری خانقاه در این دوره حوض خانقاه هست. حوض در بعضی خانقاه‌ها درون خانقاه می‌باشد که توسط آب قنات پر می‌گردیده است (بندرآباد) و در بعضی همانند «خانقاه شمسیه» جلوی خانقاه بوده است. امروزه میدانگاه جلوی خانقاه شمسیه به نام «حوض ملکتیه» که روزگاری در جلوی خانقاه بوده، مشهور شده است. یکی دیگر از فضاهای خانقاه که ارتباط با آب دارد «مصنعه» و پایاب می‌باشد که معمولاً در جلوی خانقاه و یا داخل مجموعه‌های خانقاهی (مانند مجموعه سلطان محمود بندرآباد) ساخته شده است و در متون تاریخی به‌دفعات دیده می‌شود^۳. در ذکر خانقاه امیر چخماق چنین آمده است: «آب... به کاروانسرا و خانقاه و قنات خانه امیر چخماق می‌گذرد و... مصنعه‌ای که بر در مسجد جامع و خانقاه هست مملو می‌شود» (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۵۲). یکی از فضاهای مغفول مانده خانقاه «باغچه مشجر» می‌باشد که در متون از آن نام‌برده شده است و امروزه تنها در خانقاه بندرآباد شاهد آثار چنین فضایی هستیم و در بقیه خانقاه‌ها از بین رفته است. در کتاب تاریخ یزد بدین گونه خانقاه امیر چخماق را معرفی می‌نماید: «و در جنب آن خانقاهی مروح و حوض آب در میان خانقاه و باغچه مشجر در خلف خانقاه و قنات خانه نیکو در میان کاروانسرا و خانقاه و مصنعه عالی ساخته» (جعفری، ۱۳۴۳: ۴۶). این باغ در خانقاه سرریگ بکار گرفته شده است که درباره معماری آن چنین ذکر شده است: «و همچنین باغچه واقع در پشت خانقاه که تمامش مشجر است و...» (حسینی یزدی، ۱۳۴۱: ۳۸). این فضای مشجر همانند خانه‌های آل مظفر،

معمولاً در پشت خانقاه می‌باشد و دسترسی به آن از طریق صفه یا طنبی بوده است (ذاکرعاملی و اسفنجاری، ۱۳۸۵: ۱۷۰). باغ خانقاه از جمله فضاهایی است که در وقف نامه ربع رشیدی از آن نام برده شده است و در زیرمجموعه فضاهای خانقاه ربع رشیدی بوده است (همدانی، ۱۳۵۶: ۴۳). الگو باغ پشتی (باغ خلفی) که در فضاهای خانقاه منطقه کویری بکار گرفته می‌شود در دوره‌های بعدی (دوره صفوی) به متن اصلی منتقل می‌گردد و فضاهای آموزشی باهم پیوندی باغ - مدرسه (مانند مدرسه چهارباغ اصفهان) شکل می‌یابد. وجود آب به‌عنوان فضای لاینفک معماری خانقاه تا حدی پیش می‌رود که حتی در بعضی خانقاه‌ها انشعابی جداگانه برای خانقاه و حوض و سقاخانه در نظر گرفته می‌شود، نکته‌ای که در خانقاه شرف‌الدین خضر دیده می‌شود «و خانقاه و طنبی که مدفن اوست از استحداث اوست و پایاب آجر پخته در میان خانقاه ساخته و نهر سوا درو جاری است و این خانقاه محمد بن مظفر داخل شهر گردانید» (کاتب، ۱۳۴۵: ۱۶۶). در جامع مفیدی درباره خانقاهی در مهریز از نوع پوشش گیاهی خانقاه بدین قرار: «یکی از ارباب جاه و جلال خانقاهی محقر بر سر مزار آن مسافر بلاد عقبی ساخت و باغی مشجر نمود و چنار و سفیدار و غیره در اطراف خانقاه غرس نمود» (مستوفی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۶۱۷) سخن گفته است. همچنین در تاریخ جدید یزد در ذکر شیخ تقی الدین دادا به معرفی سراچه و خانقاه پرداخته است که در این بین ضمن اشاره به سلسله‌مراتب حرکت آب تفت به معرفی باغ خانقاه نیز بدین گونه می‌پردازد: «و پیشان درگاه نهر میاه تفت به حوضین جاری می‌گردد و به باغ خلف خانقاه به زراعت صرف می‌شود و بر شفیق میاه مذکور دورویه درخت سرو و کاج نشاند و تمام ثابت و بالیده شده است» (کاتب، ۱۳۴۵: ۱۴۵). الگوی معماری چهار ایوانه در خانقاه بندرآباد و شمسیه هنوز دیده می‌شود. ایوان‌های بلند دوطبقه که توسط طاقنماهای کناری احاطه شده‌اند از ویژگی‌های خانقاه‌های این دوره هست. درباره خانقاه امیر چخماق چنین آورده شده: «و در سال احدی و اربعین و ثمانمائه قریب مسجد خانقاهی عالی ساز کرد و چهارصفه روی درهم آورده و در میان خانقاه حوضی وسیع ساخته که آب خیرآباد دهوک در آن جاری است» (کاتب، ۱۳۴۵: ۹۰).

گنبدخانه یکی دیگر از فضاهای خانقاه است که همراه با فضاهای ایوان و طنبی در متون تاریخی آمده است. ترکیب شناخته شده ایوان و گنبدخانه برای خانقاه در منطقه یزد نیز معمول بوده است. گنبدخانه خانقاه معمولاً محل حلقه شیخ و درویش بوده و پس از مرگ شیخ نیز جایگاه مدفن شیخ و مریدانش می‌شده است. در کتاب تاریخ یزد در ذکر خانقاه قوام الدین چنین نوشته شده: «مزاری متبرک است و بسیار سادات عظام در آنجا مدفونند و اول خانقاه (بوده) و گنبد امیرنظام الدین پدر امیر رکن الدین قاضی ساخته» (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۱۸). باید خاطر نشان نمود طنبی خانقاه برگرفته شده از دو الگوی طنبی مسجد یا طنبی خانه است. در الگوی طنبی خانقاه برگرفته شده از مسجد، طنبی فضای تالار ماندنی دارد که در انتها یا کنار گنبدخانه بوده و دارای روزنه‌هایی در بالای خود بوده است. درباره خانقاه بنیمان در متون چنین ذکر شده است: «و عمارت نیکو بر سر قبر شیخ (علی بنیمان) بساخت از گنبد و طنبی و مسجد و مسکن فقراء و درهای نیکو نصب کرد» (کاتب، ۱۳۴۵: ۱۴۸) در این خانقاه طنبی به صورت اتاقی گنبد دار در پشت گنبدخانه اصلی ساخته شده است. فضای طنبی در خانقاه هم چون الگوی خانه‌های مظفری، (ذاکرعاملی و اسفنجاری، ۱۳۸۵: ۱۵۹) در انتهای ایوان قرار داشته و دارای تزیینات بوده است. در تاریخ جدید یزد در ذکر باغ امیر جلال الدین خضر شاه چنین ذکر شده: «و باغ مشجر و مکروم ساخت و حوض خانه و طنبی راست کرد و مردم در آن باغ تردد کردند و سماع زدندی» (کاتب، ۱۳۴۵: ۱۸۰).

تزیینات به‌جامانده از طنبی محدود به گچ‌بری و کاشی‌کاری خانقاه شیخ علی بنیمان بیداخوید بوده و در بقیه خانقاه‌ها از بین رفته است. در متون تاریخی از وجود تزیینات کاشی‌کاری و مطلقاً کاری شده طنبی سخن رفته است که برای نمونه می‌توان به خانقاه شرف‌الدین خضر اشاره نمود که بدین صراحت درباره طنبی آن سخن رفته است: «و طنبی محقر در نهایت صفا و تکلف مزین به طلا و لاجورد در محله پای بور مشهورا احداث نموده» (مستوفی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۶۲۸).

یکی از ساختارهای معماری شهری در دوره آل مظفر استقرار خانقاه در جلوی مدارس هست. در دوره تیموری نیز مدارس خانقاه‌ها غالباً باهم و در کنار هم ساخته می‌شد (ویلبر و گلمبگ، ۱۳۷۴: ۸۴). در کتاب تاریخ یزد در ذکر خانقاه و مدرسه رشیدی چنین ذکر شده است: «مدرسه و خانقاهی مقابل مدرسه محمود بنا کرد» (جعفری، ۱۳۴۳: ۹۲). قرارگیری خانقاه در روبروی مدرسه در مجموعه‌های دیگر

(مانند مجموعه شمسیه) به معنای رایج بودن این الگو در دوره ایلخانی بوده که در دوران بعد (تیموری) در مقیاس وسیع مشاهده می‌گردد. هم‌جواری خانقاه و مدرسه نشان می‌دهد اسلام با تصوف از در سازش درآمده است و نتیجه همین سازش بود که توسط غازان خان و رشیدالدین در تبریز و یزد، مدارس و خانقاه‌ها در کنار هم بنا گردیدند (ویلبر و گلمبگ، ۱۳۷۴: ۸۴). خصلت چهره به چهره شدن (رودرو شدن) در کارکردهای آموزشی که بر دو مبنای شریعت و طریقت بنا می‌گردد خبر از آزادی نسبی آموزشی در این منطقه دارد (هردگ، ۱۳۷۶: ۵۵-۵۶). تقویت رویارویی کالبدی مدرسه و خانقاه با به‌کارگیری مناره تشدید می‌شده است، اقدامی که در مجموعه شمسیه چهارمنار دیده می‌شود و پس‌از این در مجموعه‌های بزرگ تیموری مشاهده می‌گردد^۴. در نتیجه می‌توان گفت، مکتب معماری که تیموریان دنبال کردند، معماری آل مظفر بود که ظاهراً آن را الگوی اولیه خود در نظر گرفته‌اند (اوکین، ۱۳۸۶: ۲۱۰). هم‌جواری استقرار خانقاه محدود به مدرسه و مزار نبوده بلکه در مجموعه‌های خانقاهی، لاینفک‌ترین فضا برای برپایی مجموعه هست و خانقاه و مزار هسته شکل‌گیری مجموعه خانقاهی می‌گردد. برای نمونه در مجموعه نوغ آباد (نوباد) مسجد در کنار خانقاه و پس‌از آن ساخته می‌شود. «و خانقاه معتبر و حظیره نیکو در جنب آن ساز داده و مقبره جهت مدفن خود و اولاد خود ساخته، و در سال اثنی و عشرین و سبعمائه این مسجد در پهلوی خانقاه ساخته و یک در بخانقاه گشوده» (جعفری، ۱۳۴۳: ۷۷). نمونه مشابه در خانقاه بندرآباد رؤیت می‌گردد که مسجد تابستانی بزرگ (مسجد جامع) پس از خانقاه ساخته می‌شود. رویکرد مجموعه‌سازی و پروراندن آن یکی از مشخصه‌های اصلی معماری ایلخانی (آل مظفر) هست که به‌وفور در منطقه یزد بکار گرفته می‌شود.

در دوره آل مظفر ساختن خانقاه به‌صورت طراحی شده و اندیشیده شده را در خانقاه‌های می‌بینیم که بانیان آن‌ها دولت‌مردان یا امیران هستند. در کتاب تاریخ یزد درباره خانقاه غیاثیه چنین رفته است: «و از شیراز طرح مدرسه و خانقاه و بقاع ثلاث بفرستاد» (جعفری، ۱۳۴۳: ۹۶). نمونه مشهور برپا مانده خانقاه طراحی شده، خانقاه شمسیه می‌باشد که در تاریخ بدین‌صورت ذکر شده: «و در تبریز، طرح مدرسه چهارمنار و دارالسیاده و خانقاه و بازار و حمام بینداخت، و به یزد فرستاد و بنایان عمارت کردند» (جعفری، ۱۳۴۳: ۸۸)؛ بنابراین می‌شود نتیجه‌گیری نمود که در معماری خانقاهی این دوره می‌توان شاهد رگه‌هایی از معماری غیربومی یزد نیز باشیم (ویلبر، ۱۳۹۳: ۱۰۱).

جدول ۱: معرفی ویژگی‌های معماری برخی خانقاه‌های مذکور در متون تاریخی یزد (ماخذ: نگارندگان)

نام	ویژگی‌ها
خانقاه امیرجلال الدین چخماق	چهارصفه - حوض آب در میان خانقاه - باغچه مشجر در خلف خانقاه - مصنعه بر در خانقاه
خانقاه رشیدیه	مناره خانقاه
خانقاه محمد بن مظفر	قبه عالی میان خانقاه و مدرسه نصرتیه
خانقاه جمال الاسلام	نهری در خانقاه - ساباط مروح
خانقاه پیرحسین دامغانی	میاه ابرندآباد در خانقاه
خانقاه سرآب نو	صحن سراچه - درگاه عالی - باغ خلف خانقاه - حوض وسیع جلوی درگاه
خانقاه پیداخوید	گنبد - طنبی - مسکن فقرا - درهای نیکو
خانقاه شرف الدین خضر	طنبی - پایاب آجر - نهری سوا
خانقاه بندرآباد	گنبد خلف خانقاه - مسجد رفیع الارتفاع - هشت صفا - آش خانه - طولیه
خانقاه چفته	رباط - ساباط - مصنعه وسیع
خانقاه قرب دروازه سعادت	خانقاه مزین به کاشی

جدول ۲: لیست خانقاه های مذکور در متون تاریخی یزد (ماخذ: برگرفته شده از مقاله ایرج افشار، ۱۳۷۷)

نام بنا	بانی	تاریخ ساخت	منابع
خانقاه ابرکوه	سید رکن الدین یزدی	قرن هشتم	یادگارهای یزد، ۳۹۵: ۲
خانقاه ابرند آباد	سید رکن الدین یزدی	۷۰۰ ه. ق حدود	تاریخ یزد، ص ۸۷ و تاریخ جدید یزد ص ۱۲۹
خانقاه اردکان	شیخ تقی الدین دادا	قرن هشتم	تاریخ جدید یزد
خانقاه اشکذر	سید رکن الدین یزدی و شیخ تقی الدین دادا	قرن هفتم و هشتم	تاریخ یزد، ص ۱۱۲ و تاریخ جدید یزد ص ۱۲۹
خانقاه امیرچخماق	امیرچخماق	قرن نهم	تاریخ یزد، ص ۱۵۲ و ۴۵
خانقاه بارجین	شیخ تقی الدین دادا	قرن هفتم	تاریخ یزد، ص ۱۱۲
خانقاه بهالدین محمد	بهالدین محمد	-	یادگارهای یزد، ج ۲، ص ۵۲۵
خانقاه بندرآباد	سید رکن الدین حسینی	قرن هفتم	تاریخ یزد، ص ۱۱۲ و تاریخ جدید یزد ص ۱۶۲
خانقاه بیده	سید رکن الدین حسینی	قرن هفتم	تاریخ یزد، ص ۱۱۲ و تاریخ جدید یزد ص ۱۶۵
خانقاه پیرحسین دامغانی	پیرحسین دامغانی	اوایل قرن نهم	تاریخ جدید یزد ص ۱۱۸
خانقاه تفت	امیرنورالدین سیدنعمت الله کرمانی	-	تاریخ جدید یزد ص ۲۱۶-۲۱۷
خانقاه چفته	سید رکن الدین یزدی	قرن هفتم	تاریخ جدید یزد، ص ۱۲۹
خانقاه جمال الاسلام	مولانا غیاث الدین علی	۷۶۷ ه. ق	تاریخ یزد، ص ۱۲۱ و تاریخ جدید یزد ص ۱۱۳
خانقاه حسینیة اشرفیه	-	-	غرائب القران
خانقاه خرائق	سید شمس الدین محمد	اوایل قرن هفتم	جامع الخیرات، یادگارهای یزد، ج ۲، ص ۳۹۷
خانقاه رشیدی	رشیدالدین فضل الله طیب همدانی	قرن هفتم	تاریخ یزد، ص ۹۲ و تاریخ جدید یزد ص ۱۳۴
خانقاه دروازه قطریان	سید رکن الدین یزدی	قرن هفتم	جامع الخیرات، یادگارهای یزد، ج ۲، ص ۳۹۵
خانقاه دروازه کوشک نو	سید رکن الدین یزدی	قرن هفتم	تاریخ یزد، ص ۸۷، یادگارهای یزد، ج ۲، ص ۳۹۴
خانقاه ده شیر	مبارزالدین محمد یزدی	قرن هفتم	جامع مفیدی، ج ۳، ۶۹۹-۷۰۰
خانقاه سرآب نو (شیخدادیزد)	شیخ تقی الدین دادا	قرن هفتم	تاریخ جدید یزد، ص ۹۱
خانقاه سرریگ	سید رکن الدین یزدی	قرن هفتم	جامع الخیرات، یادگارهای یزد، ج ۲، ص ۳۹۴
خانقاه سلطان محمود بندرآباد	شیخ تقی الدین دادا	قرن هشتم	یادگارهای یزد، ج ۲، ص ۱۲۹ و ۱۳۶
خانقاه شرف الدین خضر	مولانا شرف الدین خضر	سال ۷۵۵ ه. ق	تاریخ جدید یزد، ص ۱۸۹
خانقاه شرفیه	پدرشرف الدین علی یزدی	-	جامع مفیدی، ج ۳، ۳۰۳
خانقاه شمسیه	سید شمس الدین محمد	۷۳۳ ه. ق	جامع الخیرات، ص ۱۱۴، ۱۲۴، ۱۵۴
خانقاه شمسیه ابرکوه	سید شمس الدین محمد	قرن هشتم	تاریخ جدید یزد، ص ۱۹۱، یادگارهای یزد، ج ۲، ص ۳۹۷
خانقاه شهاب الدین محمد منشی	شهاب الدین محمد منشی	-	جامع مفیدی، ج ۳، ۱۴۴
خانقاه عزآباد	شیخ تقی الدین دادا	قرن هفتم	تاریخ یزد، ص ۱۱۲ و تاریخ جدید یزد ص ۱۶۵
خانقاه عقدا	شیخ تقی الدین دادا	قرن هفتم	تاریخ یزد، ص ۱۱۲ و تاریخ جدید یزد ص ۱۶۵
خانقاه عقدا	سید شمس الدین محمد	قرن هشتم	جامع الخیرات، یادگارهای یزد، ج ۲، ص ۳۹۷
خانقاه پیدا خوید	امیرترمش	۸۱۶ ه. ق	جامع الخیرات، یادگارهای یزد، ج ۲، ص ۲۶۰
خانقاه قوام الدین مسعود شاپور	-	-	جامع الخیرات، یادگارهای یزد، ج ۲، ص ۴۶۵
خانقاه مجومرد	سید رکن الدین یزدی	قرن هفتم	تاریخ یزد، ص ۸۷ و تاریخ جدید یزد ص ۱۲۹
خانقاه محمد بن مظفر فهرج	-	-	تاریخ یزد، ص ۱۵۲
خانقاه محمد بن مظفر یزد	-	-	تاریخ جدید یزد، ص ۸۴
خانقاه معینیه میبد	خواجه معین الدین علی	قرن نهم	تاریخ جدید یزد، ص ۲۸۳
خانقاه میبد	سید رکن الدین یزدی	قرن هفتم	تاریخ یزد، ص ۸۷
خانقاه میبد	شیخ تقی الدین دادا	قرن هفتم	تاریخ یزد، ص ۱۱۲
خانقاه نایین	سید رکن الدین یزدی	قرن هفتم	جامع الخیرات، یادگارهای یزد، ج ۲، ص ۳۹۵
خانقاه نیستانه	سید رکن الدین یزدی	قرن هفتم	تاریخ یزد، ص ۸۷ و تاریخ جدید یزد ص ۱۲۹
خانقاه هفتادر	سید رکن الدین یزدی	قرن هفتم	تاریخ یزد، ص ۸۷ و تاریخ جدید یزد ص ۱۲۹
خانقاه هفتادر	شیخ تقی الدین دادا	قرن هفتم	تاریخ یزد، ص ۸۷ و تاریخ جدید یزد ص ۱۲۹

۳-۳- معماری خانقاه‌های موجود

خانقاه‌های آل مظفر دارای فضاهایی از قبیل: دستگاه ورودی، صحن (حیاط)، صفه (ایوان)، گنبدخانه (جماعت خانه)، چله‌خانه بوده است. البته در بعضی از خانقاه‌های مفصل همچون خانقاه بندرآباد فضایی مانند حجره، دارالضیافه نیز به چشم می‌خورد. باید به این نکته مهم نیز توجه داشت که خانقاه، همچون خود صوفیه، تاریخی پرتلاطم و پر از دگرگونی داشته است. نباید با این پیش‌داوری سراغ منابع رفت که خانقاه در سرتاسر تاریخ و جغرافیای ایران زمین، ماهیتی واحد و معماری‌ای کمابیش یکسان داشته است (سلطانی و قیومی، ۶۶: ۱۳۹۳).



تصویر ۴: سردر رفیع مجموعه سرآب نو. ماخذ عکس (نگارندگان)



تصویر ۳: ورودی خانقاه بندرآباد. ماخذعکس: نگارندگان



تصویر ۲: هشتی خانقاه شمسیه. ماخذعکس: نگارندگان



تصویر ۱: سردر ورودی خانقاه شمسیه (ملکتیه). ماخذعکس: نگارندگان

دستگاه ورودی

فضای ورودی، به‌عنوان مفصلی بین درون بنا و عرصه عمومی فضایی است که مکان تغییر مسیر حرکت برای ورود به یک بنا و نیز محل توقف و انتظار در جلوی بنا را از فضای عبوری راه، متمایز می‌کند (سلطان‌زاده، ۱۷۰: ۱۳۷۲).

معمولاً ورودی اصلی خانقاه‌های بزرگ و مهم (مانند خانقاه بندرآباد یا خانقاه سرآب نو در یزد) در مکانی استقرار می‌یافت که از فضای باز و راه‌های پیرامون بنا به‌خوبی قابل مشاهده باشد. همچنین غالباً برخی از عناصر و فضاهای مهم داخلی بنا را در صورت امکان در روبه‌روی درب ورودی و طوری می‌ساختند که توجه هرکسی بلافاصله پس از ورود به بنا به خود جلب کند (سلطان‌زاده، ۱۷۳: ۱۳۷۲).

دستگاه ورودی (درآیگاه) در برخی از خانقاه‌ها مانند بندرآباد، مفصل و پرکار (تصویر ۳) و در برخی ساده و بدون تزیینات (بابک میبد) هست. وجود جلوخان در جلوی سردر در جهت تأکید بر سردر پرکار خانقاه بوده است که این رویکرد را در خانقاه سرآب نو (تصویر ۴) می‌بینیم. به‌کارگیری سباب در معماری آل مظفر به‌صورت عنصری جاافتاده بوده بطوریکه در بسیاری از مدارس و مساجد این دوره شاهد هستیم. مؤلف تاریخ یزد درباره خانقاه شمسیه می‌نویسد «و خانقاه و در جنب آن مدرسه سباب عالی ساخته و با کاشی تزیین داده و.. در سال ثلث و ثلاثین و سبعمائه (۷۳۳) تمام عمارت شد». سردر ورودی در خانقاه‌های این دوره یا همانند ورودی خانه‌ها و مساجد رفیع هستند (خانقاه شمسیه و بندرآباد و سرآب نو) و یا ساده بی‌تکلف هستند (خانقاه بیداخوید و بابک میبد). در ساختمان‌های دوره ایلخانی اهمیت زیادی به صلابت و بزرگی اشکال مختلف داده‌شده است و با مقایسه با آثار ساختمانی دوره سلجوقی تناسبات ورودی تغییر داده‌شده و ورودی‌ها از نظر بلندی نسبت به اندازه افقی‌شان بلندتر شده‌اند (ویلبر، ۱۳۹۳: ۳۵). بزرگ‌ترین طول و عرض سردر متعلق به خانقاه بندرآباد هست و کوچک‌ترین برای خانقاه بابک فیروزآباد هست که در داخل بازارچه قرار گرفته است (جدول ۳). با توجه به نسبت ابعاد پایه به دهانه در سردر ورودی خانقاه شیخ محمد به نظر می‌رسد که سردر دارای ارتفاع رفیعی بوده است. (تصویر ۹) در خانقاه بندرآباد سردر ورودی به‌عنوان عنصر هویت‌بخش به بافت روستایی بوده است (تصویر ۳). درآیگاه به‌عنوان یکی از عناصر هویت‌بخش در شهر - خانقاه‌ها (شهر-مزار) بوده است (صیرفیان پور و حمزه نژاد، ۱۳۹۷: ۹۹). در خانقاه‌های بزرگ، همچون خانقاه بوسعید در نیشابور، درآیگاه مشتمل بود بر جلوخانی با دوکان سکو و سپس سردر. افزون بر آنچه در اسرارالتوحید درباره این مجموعه ذکر شده است (محمد بن منور ۱۳۸۹: ۳۵۶-۳۵۹) در المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم ابن جوزی هم‌سخنی درباره سردر این خانقاه هست که مطابق

آن، سردر چندان بلند بود که مردی سوار بر شتر می‌توانست از آن بگذرد (شفیعی کدکنی ۱۳۸۹ ب، ۶۵۵ و ۶۵۶؛ ابن جوزی ۱۴۱۲ ق: ۲۳۵). در نظر گرفتن بلندای زیاد برای درب سردر خانقاه را فقط در بندرآباد می‌بینیم بطوریکه در ایام محرم کاروان شتر از مدخل خانقاه عبور کرده و داخل حیاط خانقاه می‌گردد. به‌کارگیری هشتی هم به‌صورت دواشکوبه در خانقاه شمسیه (تصویر ۲) و هم یک اشکوبه در بندرآباد دیده می‌شود. فضای هشتی، در خانه‌های این دوره مفهوم چندانی ندارد و مراحل اولیه رشد خود را سپری می‌کند (ذاکر عاملی و اسفنجاری، ۱۳۸۵: ۱۷۸) ولی در خانقاه ایلخانی هشتی به‌عنوان عنصر رایج و متداول دیده می‌شود. به‌جز خانقاه شمسیه، خانقاه‌های آل مظفر یزد اکثراً دارای ورودی‌های مستقیم هستند. در این خانقاه سردر ورودی در گوشه بنا بوده و معمار با چرخش دالان این مسئله را برطرف کرده است. رایج بودن هشتی در حرکت برای رسیدن به حیاط با فضای نیمه‌روشن و مربع شکل هشتی، بیانگر این امر است که دستیابی به استفاده از هندسه مربع و هشت‌ضلعی برای فضای ورودی در عصر خود عنصر پایداری محسوب می‌شده است (ذاکر عاملی و اسفنجاری، ۱۳۸۵: ۱۷۸). وجود فضای بروار در سلسله‌مراتب ورودی در خانقاه بندرآباد به دلیل مجاورت خانقاه در کنار مسجد جامع بوده که بعداً به‌صورت به‌دفعات در بناهای صفوی دیده می‌شود. دستگاه ورودی خود شامل جلوخان، پیشخان، درگاه، هشتی و دالان می‌باشد که علاوه بر ایجاد سلسله‌مراتب در ورود، با تغییر امتداد و جهت مسیر عبور، مسئله‌ی محرمیت را توسط دالانی که در امتدادی غیرمستقیم به حیاط ختم می‌شود؛ حل می‌کند (قدردان و وثیق، ۱۳۹۵: ۴۸). اصل یگانه بودن ورودی در خانقاه شمسیه مورد تشکیک قرار می‌گیرد. (تصویر ۱) همچنین خانقاه بندرآباد نیز به خاطر مجموعه‌ای بودن شاهد ورودی‌های متعددی هستیم. در خانقاه‌های دیگر تنها یک ورودی دیده می‌شود. ورودی رایج خانقاه در دوره ایلخانی و تیموری در یزد در مرکز محور اصلی (شمال - جنوب) واقع شده و فرد پس از عبور از درگاه‌ها و هشتی و در امتداد محور میانی وارد شده و ایوان در راستای دید قرار می‌گیرند. در حالیکه ورود به فضای درونی خانه با حجاب بیشتری صورت می‌پذیرد (ذاکر عاملی و اسفنجاری، ۱۳۸۵: ۱۷۸). سردرهای ورودی خانقاه‌های آل مظفر بسته به موقعیت استقرار دارای کالبدی متفاوت می‌باشند. اکثر سردرهای بلند متعلق به خانقاه‌هایی هستند که بانیان آن‌ها از سوی حاکمان حمایت می‌شدند. استقرار سردرهای بلند که در خارج از شهرستان یا در روستا بودند دلیلی بر نقش هدایت‌کنندگی سردر رفیع بوده است. تأکید بر راهنما بودن در خانقاه بندرآباد به‌واسطه اسقرار بنا روی بلندی دوچندان می‌شود. همچنین نقش راهنما داشتن بنا با سنگه روی گنبد که از دور همانند کلاه در اویش بوده، تکمیل می‌شده است. (تصویر ۱۰) درحالی‌که معماری سالهای اولیه سده چهاردهم همچون مدخل اصلی مسجد جامع یزد، احساس بلند بودن را از طریق کم شدن نسبت‌ها به وجود می‌آورد، در اینجا ارتفاع بزرگ به‌گونه‌ای است که نیاز به تناسبات فریبنده را برطرف می‌سازد (اوکین، ۱۳۸۶: ۲۱۳).

صحن (حیاط)

اگر بخواهیم به جوهره سازماندهی فضا در خانقاه‌های ایرانی اشاره کنیم، می‌توانیم از ساختار حیاط مرکزی نام ببریم. ساختاری که به‌صورت درهم‌تنیده و یکپارچه پاسخ‌های مناسبی برای زندگی مادی و معنوی این مردمان به دست داده است (احمدی، ۱۳۸۴: ۹۰). صحن، حیاط یا رَحَبَه (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۳۵۰) مکان روباز خانقاه بود و جای بخش مهمی از زندگی خانقاهی (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۲۹۳). خانقاه‌های تاریخی یزد به دودسته حیاط دار و بدون حیاط تقسیم می‌شوند. خانقاه‌های که به‌صورت گنبدخانه تکی می‌باشند (خانقاه شیخ محمد، خانقاه بابک میبد) در دسته خانقاه‌های بدون صحن قرار دارند. خانقاه بنی‌مان در بیدآخوید از نمونه خانقاه‌های بدون حیاط هست هرچند شرایط اقلیمی سرد منطقه نیز بر عدم وجود فضای باز تأکید می‌کند. دسته‌ای از خانقاه‌های حیاط دار همانند مدارس و مساجد دوره آل مظفر می‌باشند و دارای حیاط کوچک و فشرده هستند (خانقاه سرآب نو). خانقاه صرفاً یکی از انواع بنایی است که هم از نظر شکل و هم به لحاظ عملکرد می‌تواند با مدرسه مرتبط باشد (هیلن برند، ۱۳۸۳: ۲۲۰). این ارتباط در بررسی فضاهای خانقاهی چلبی اوغلو از نظر شکل و کارکرد با مدارس ترکی مورد تأیید قرار گرفته است (نیکبخت، ۱۳۸۸: ۳۲). خانقاه‌های با حیاط هشت‌ضلعی بزرگ‌ترین حیاط‌ها را دارند و در بین آن‌ها نیز خانقاه شمسیه از همه بزرگ‌تر است (جدول ۳). خانقاه سراب نو که مشابه مدارس آل مظفر است در مرتبه بعد از حیاط‌های مثن قرار دارد و در قیاس با خانقاه‌های دیگر کوچک‌ترین

حیاط را به خود اختصاص داده است. علت اینکه حیاط خانقاه و نمونه‌های مشابه آن کوچک است دقیقاً مشخص نیست ولی اسفنجاری در گزارش مسجد جامع ده نو (اسفنجاری، ۱۳۸۴: ۲۷-۲۸) بدین صورت یادآوری می‌کند که شاید بتوان به این موضوع اشاره کرد که این مساجد معمولاً به‌عنوان مسجد جامع درون محله‌ای بوده و به‌عنوان مسجد جمعه که پذیرای جمع کثیری از مردم و اهالی محلات دیگر شهر باشد عمل نمی‌کرده است. به همین دلیل حیاطی کوچک و متناسب با سایر فضاهای مسجد داشته است. جالب است که حیاط خانه‌های مسکونی هم‌زمان با آن در یزد و میبد بسیار کوچک و دارای مشابهت‌های زیادی با حیاط مدرسه و مساجد می‌باشد. بنابراین با توجه به مقیاس کارکردی بنا الگوهای رایج و نافذ از ساختمان‌های دیگر، شاید بتوان کوچکی حیاط خانقاه این دوره را توجیه نمود. گروه دیگر حیاط خانقاه‌ها به‌صورت هشت‌ضلعی (چه به‌صورت کامل چه به‌صورت هشت و نیم هشت) بوده است. رسوخ قالب‌های کالبدی توحید خانه‌ها و فضاهای مشابه تکایای صوفیه را به‌وضوح در برخی تکیه‌های نواحی مرکزی می‌توان دید (ناری‌قمی، ۱۳۹۴: ۲۵). این پلان که به‌صورت جافتاده در معماری آل مظفر دیده می‌شود در دوران تیموری به‌صورت متکامل در مدارس و در دوران صفوی در حسینیه‌ها بکار گرفته می‌شود. مشابهت بین خانقاه‌های هشت‌ضلعی با مدارس تیموری و تداوم خانه‌های مظفری در دوره تیموری (ذاکرعاملی و اسفنجاری، ۱۳۸۵: ۲۰۷) گویای این است که تغییر در قالب‌های معماری از دوره مظفریان تا تیموریان با انتقال تدریجی پدید آمد و با تغییرات بنیادی سبکی همراه نبود (اوکین، ۱۳۸۶: ۷۹). صحن خانقاه بندرآباد دارای ته رنگی هشت و نیم هشت و کف فرش آجری شش‌ضلعی می‌باشند. نمای خانقاه به‌صورت دوطبقه بوده و به‌صورت چهار ایوانی طراحی شده است. در میان اضلاع چهارگانه صحن، ایوان‌هایی قرار دارند. در گوشه‌های پخ حیاط ایوانچه‌های دیده می‌شود که بیشتر این فضاها با درگاهی در میان خود رابط بین فضای دیگری هستند؛ بنابراین در دسته‌بندی خانقاه‌های حیاط دار می‌توان به دودسته کلی دست پیدا نمود. دسته حیاط‌های باریک و کشیده که میراثی از روزگار ایلخانیان بوده (ویلبر و گلمبگ، ۱۳۷۴: ۱۱۴) و دسته حیاط‌های مثنی که اطراف آن را ایوان و طاقنماها فرامی‌گیرد (دیگرام ۱).



دیگرام ۱. دسته بندی خانقاه‌های مورد بررسی براساس حیاط. (ماخذ: نگارندگان)

صفا (ایوان)

ایوان یکی از عناصر شاخص معماری ایرانی است که از دوران باستان تاکنون به‌صورت بی‌وقفه در ساختار اکثر بناهای شاخص این فلات مهم‌ترین نقش را بازی می‌کند. ایوان اصلی خانقاه‌ها و مدارس ایلخانی معمولاً در جبهه جنوبی و روبه شمال (قبلی) قرار گرفته است. مهم‌ترین و بارزترین خصوصیت ایوان‌های اصلی در مدرسه‌ها و خانقاه‌های سبک مظفری، بلندی آن‌هاست. در دوره ایلخانیان عناصر و جزئیات ساختمانی مشترک با دوره سلجوقی ظریف‌تر و آراسته‌تر گردیده است. از یک‌طرف عمودیت نمای ساختمان آگاهانه اراده شده و با دقت در خطوط صعودی پدید آمد و از طرف دیگر کالبد بناها سبک‌تر و نازک‌تر گردید جز در نقاط تلاقی که بار سنگین بنا باید نگه‌داشته شود (ویلبر، ۱۳۹۳: ۳۵). ایوان‌های خانقاه‌های این دوره عیناً ویژگی‌های معماری بناهای شاخص و باشکوه عصر خود را تجلی می‌دهد. ارتفاع ایوان‌ها ۱/۸ تا ۱/۵ برابر عرض آن است و در بعضی خانقاه‌ها همانند خانه‌ها ایوان کل عرض جبهه جنوبی حیاط به دهانه ایوان اختصاص دارد که این امر به لحاظ بصری بر تناسب ایوان اثر گذاشته و مرتفع‌تر به نظر می‌رسد (ذاکرعاملی و اسفنجاری، ۱۳۸۵: ۱۸۱). صفا خانقاه بندرآباد بسیار کشیده و دارای رعنائی زیاد بوده بطوریکه بجز صفا جنوبی همه صفاها در دوران

بعدتر به صورت دوطبقه درآمده‌اند و با ایجاد کمر پوش از رعنائی آن‌ها کاسته شده است. البته باید خاطر نشان نمود کمر پوش‌های خانقاه شمسیه نیز الحاقی بوده^۵ و بنای اصلی به صورت کشیده و بلند و یک طبقه بوده است (تصویر ۵). ایوان در خانقاه بندرآباد برخلاف خانقاه‌های دیگر دارای تزیینات معقلی و مساحت بیشتری می‌باشد (تصویر ۶). در این ایوان همانند ایوان مساجد آل مظفر، متخلخل می‌باشد و معمار با تعبیه پلکان دسترسی و غرفه‌های زنانه داخل جرزهای ایوان را خالی نموده است. ایوان بندرآباد در دو طرف خود دارای کمرپوش می‌باشد که در خانقاه‌های دیگر مشاهده نمی‌گردد. در خانقاه‌هایی که از ترکیب گنبدخانه و ایوان به وجود آمده است، ایوان فضای ارتباطی بوده و راه دسترسی به جماعت خانه را تأمین می‌نموده است. صفا شاه‌نشین صحن بودگاهی تخت یا کرسی شیخ را در صفا می‌نهادند و او در آنجا مجلس می‌گفت و جماعت در صحن، پیش روی او می‌نشستند یا از فراز بام او را نظاره می‌کردند (محمد بن منور ۱۳۸۹: ۱۸۴). در تمامی خانقاه‌های هشت و نیم هشتی بر اساس تقسیم‌بندی سه‌بخشی در ضلع‌های بزرگ شکل گرفته‌اند. در این رویکرد صفا اصلی به صورت یک طبقه در وسط (مادر) و دو ایوانچه در کنار (بچه) انتظام یافته‌اند (تصویر ۷). نکته جالب توجه این است که این نظم را در طاقچه بندی اسپر انتهای ایوان جنوبی خانه‌های مظفری نیز رویت می‌گردد (ذاکر عاملی و اسفنجاری، ۱۳۸۵: ۱۸۹). این الگو در همگی به شکلی یکسان به کاررفته است و بر اساس ارتفاع ایوان، ایوانچه‌ها عبه شکل دوطبقه (بندرآباد و شمسیه) به کاررفته است.



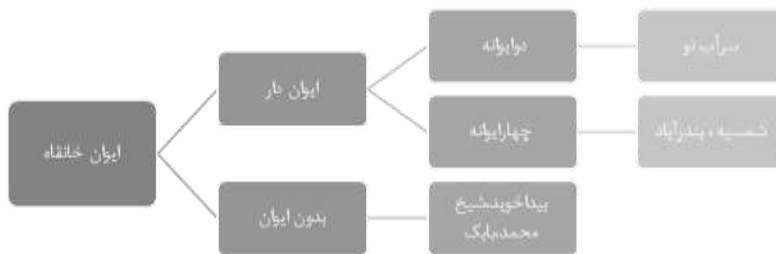
تصویر ۶: ایوان اصلی خانقاه بندرآباد. ماخذ عکس: نگارندگان



تصویر ۷: تقسیمات سه قسمتی خانقاه بندرآباد
ماخذ عکس: نگارندگان



تصویر ۵: نمایی از خانقاه شمسیه
ماخذ عکس: مرکز اسناد میراث فرهنگی یزد



دیاگرام ۲. دسته بندی خانقاه های مورد بررسی براساس ایوان. (ماخذ: نگا، ندگا: ۱۰۰)

در خانقاه‌های مورد مطالعه بزرگ‌ترین ایوان روبه حیاط متعلق به خانقاه بندرآباد و کوچک‌ترین آن‌ها برای خانقاه سرآب نو است (جدول ۳). در دسته‌بندی خانقاه‌های ایوان دار به دو گروه می‌توان دست پیدا کرد. دسته خانقاه‌های دو ایوانه و دسته دیگر چهارایوانه است (دیاگرام ۲).

گنبدخانه (جمع خانه)

جماعت خانه مهم‌ترین قسمت خانقاه بود جایی برای جمع صوفیان چه برای اعمال فردی، از عبادت و استراحت و چه اعمال جمعی (جمال‌الدین ابوروح ۱۳۸۴: ۶۸؛ محمد بن منور ۱۳۸۹: ۴۴ و ۴۵). کاربری این فضاها در مدارس به‌عنوان فضای مدرس و کتابخانه و در خانقاه‌ها به‌عنوان جماعت خانه (جمع خانه) و سماع خانه ذکر شده است. صوفیان زاویه‌های خود را در اینجا و آنجای جماعت خانه می‌گستردند و گاهی حتی زاویه شیخ خانقاه در همان‌جا بود (بی‌نام، ۱۳۸۵: ۱۳۴؛ محمد بن منور ۱۳۸۹: ۴۴). جماعت خانه محل وعظ و مجلس گفتن شیخ و گاهی سماع هم بود. سلطانی دلیل وجود گنبدخانه در خانقاه را کارکردی دانسته و آن را به عملکرد سماع ارتباط داده است. بدین صورت که سماع بایست دور از چشم اغیار می‌بود، از این‌رو، سماع در صحن، گرچه شواهدی از آن هست، بسیار نادر بود. سماع بایست درجایی بود که نه از بیرون خانقاه به چشم آید نه از بام‌ها. پس بایست درجایی مسقف می‌بود که تجمع و گردش و حرکات دست‌وپا در حال شوریدگی در آن ممکن باشد. ستون در جماعت خانه، دست‌کم درجایی که سماع می‌کردند، مانع سماع بود؛ پس ناگزیر، جماعت خانه گنبد داشت (سلطانی و قیومی، ۱۳۹۳: ۷۷). در خانقاه‌های مورد مقایسه تنها در خانقاه بندرآباد و بنیمان و شیخ محمد و مجموعه بابک میبید، شاهد گنبدخانه هستیم و در مابقی از گنبدخانه استفاده نگردیده است (دیگرام ۳). ابعاد طول و عرض گنبدخانه در این خانقاه‌ها بین ۵ الی ۹ متر است. بزرگ‌ترین گنبد خانقاه در نمونه‌های موجود متعلق به خانقاه بندرآباد هست (جدول ۳). با توجه به اینکه گنبدخانه خانقاه بندرآباد قدیمی‌تر از حیاط خانقاه می‌باشد بنابراین دارای ساختاری مستقل بوده است (ویلبر و گلمبگ، ۱۳۷۴: ۵۲۶). با در نظر گرفتن این نکته که در متون تاریخی به دو خانقاه اشاره شده که یکی به دست سید رکن‌الدین یزدی و دیگری توسط تقی‌الدین دادا محمد ساخته شده، به نظر می‌رسد بخش قدیمی خانقاه که شامل گنبدخانه و ایوان جلوی آن است، متعلق به یکی از افراد مذکور بوده و در مرحله بعد نمای هشت‌ضلعی در اطراف حیاط خانقاه ساخته شده است و خانقاه متکامل شده است (ویلبر و گلمبگ، ۱۳۷۴: ۵۲۷).^۷ دسترسی به غرفه‌های بالا در گنبد خانقاه بندرآباد، پلکانی است که در جرز جانبی ایوان خانقاه قدیمی تعبیه شده و از طرف گوشه جنوب غربی ایوان به آن راه می‌یابد که این نوع دسترسی را در مساجد هم‌دوره نیز مشاهده می‌گردد. یکی از ویژگی‌های بسیار بارز و برجسته مساجد این دوره ساختار متخلخل ایوان و گنبدخانه می‌باشد. بطوریکه عموماً دارای فضاهای کوچک و نغزی در لابلای جرز و ساختار گنبدخانه و ایوان می‌باشد. این غرفه‌های فوقانی معمولاً در جرزهای شرقی و غربی گنبدخانه و ایوان واقع شده است (اسفنجاری، ۱۳۸۴: ۲۹). گنبدخانه خانقاه بندرآباد دارای چهار جرز ستبر خشتی بوده که در ناحیه انتقال، چهار تویزه رومی قوی آن‌ها را به هم بسته است و شمایی از یک چهارطاقی بلند را عرضه می‌کند. مابین چهار تویزه اصلی در گوشه‌های چهارگانه، پتکانه‌های خشتی با ابعاد بزرگ اجرا شده است. بدین ترتیب بشن مربع شکل اطاق در این ناحیه تبدیل به هشت‌گوش شده و تشکیل یک رینگ و کلاف افقی قوی، جهت استقرار گنبد بر فراز آن را داده است. برخلاف خانقاه بندرآباد، جرزهای گنبدخانه بقیه خانقاه‌های آل مظفر در چهار ضلع به فیلیوش‌های منتهی می‌گردد و ناحیه انتقال در گنبدخانه‌های آل مظفر، بلااستثناء به صورت فیلیوش بوده است. تبدیل چهارضلعی به هشت‌ضلعی و سپس شانزده ضلعی و در نهایت سی‌ودو، روشی است که در این گنبدخانه‌ها برای استقرار گنبد بر روی جرزها اجرا شده است. ساختار توپر و حجیم گنبد خانقاه بندرآباد نسبت به بناهای هم‌دوره خود بسیار متمایز بوده و اثری از پوسته‌ای شدن و تخلخل در آن مشاهده نمی‌گردد. گنبدخانه خانقاه‌های آل مظفر مورد مطالعه همگی به صورت یک پوسته و اکثراً دارای ساختاری خشتی هستند. این گنبدها تقریباً مشابه گنبدهای مساجد مظفری میبید (اسفنجاری، ۱۳۸۴: ۲۹) و مساجد آل مظفر یزد (اوکین، ۱۳۸۶: ۱۱۳) بوده و با ارتفاع عادی هستند. گنبدها اکثراً با به‌کارگیری گوشه‌سازی‌های فیلیوش و تویزه‌های باربر بر روی جرزهای حجیم نشسته‌اند. تنها نمونه منحصر به فرد در دوران آل مظفر، گنبد خانقاه بندرآباد است که معمار با جسارت زیاد گنبد سنگین را بر روی پتکانه‌های خشتی قرار داده است (تصویر ۸). به نظر می‌رسد بعضی خانقاه‌هایی که در متون تاریخی نام برده شده و به شیخ دادا نسبت داده شده، به صورت گنبدخانه تکی بوده است. این خانقاه‌ها که به صورت ترکیب گنبد و ایوان سردر بوده و با سرعت ساخت‌وساز در مقطع زمانی کوتاه هماهنگ هست. گنبدخانه آجرکاری شده از اغلب خانه‌های اعیانی خشتی روز، اقامتگاه بهتری بوده و نیاز به نگهداری کمتری داشتند و در عین حال که در معرض هوای زمستانی بوده آن قدر اهمیت نداشته است که مانع از ماندن صوفی زاهد یا هر کسی که مأوا دیگری ندارد در آنجا شود (اوکین، ۱۳۸۶: ۶۲). خانقاه‌های دارای حیاط هشت‌ضلعی که گنبد ندارند یا به صورت خانقاه‌های

شهری هستند که در مراکز یا حاشیه شهرها ساخته می‌شدند و یا اینکه حیاط خانقاه در دوره دیگری یا در حاشیه بر خانقاه گنبد دار اضافه می‌شدند و فضای بسته خود را از طریق گنبد قدیمی یا کناری تأمین می‌نمودند مانند حیاط خانقاه بندرآباد که در دوره بعد ساخته شده است.



تصویر ۸: گوشه سازی پتکانه خشتی خانقاه بندرآباد. ماخذ عکس (نگارندگان)



تصویر ۹: گنبد خانقاه شیخ محمد میبید. ماخذ عکس مرکز اسناد میراث فرهنگی یزد



تصویر ۱۰: شنگه و گنبد خشتی خانقاه بندرآباد. ماخذ عکس (نگارندگان)



دیاگرام ۳. دسته بندی خانقاه های مورد بررسی براساس گنبد. (ماخذ: نگارندگان)

چله خانه

اتاق‌هایی با ابعاد کوچک می‌توانست به صورت چله‌خانه برای عزلت‌نشینی روحانی مورد استفاده قرار گیرد. روشنایی در چنین اتاق‌هایی حداقل بود. سقف اتاق‌ها کوتاه و از نوع طاق آهنگ یا گنبدی شکل بود (ویلبر و گلمبگ، ۱۳۷۴: ۱۱۸). در جبهه شمالی خانقاه بندرآباد، مسیری دیده می‌شود که به فضایی با ته رنگی هشت و نیم هشت منتهی می‌گردد. این فضا دارای اتاق‌های کوچک بوده که بدون درب می‌باشد و این فضا مکانی بوده که صوفیان در آن زمزمه می‌کرده‌اند. این فضا دارای سقفی گنبدی شکل هست که در اطراف آن چهار صفا و پنج اتاقک کوچک قرار گرفته. اتاقک‌های موجود مکانی بوده که شاگردان شیخ در آن به چله‌نشینی و ذکر می‌پرداخته‌اند. در ضلع غربی فضا درگاهی وجود دارد که باعث ارتباط بین این فضا و شبستان مسجد بزرگ مجاور شده است. در رساله آداب خلوه علاءالدوله سمنانی آمده است که: «چله‌خانه جایی است تنگ و تاریک، به اندازه محلی که بتوان در آن نماز گزارد و بر در آن پرده‌ای آویخته بود تا هیچ روشنی به درون آن نیاید و هواس را برای برگزاری چله از کار نیندازد و از عالم غیب باز ندارد» (کیانی، ۱۳۸۹: ۴۲۳). چله‌خانه بندرآباد دقیقاً بین مسجد و خانقاه بر این اساس طراحی شده و هیچکدام از چله‌خانه‌ها درب ندارند و با پارچه‌ای فضای چله‌خانه از هشت ضلعی جدا می‌شده است (تصویر ۱۳). مشابه این پلان در کاوش‌های خانقاه چلبی اوغلو در قسمت شمال غربی بنا از زیر خاک یافت شده است (نیکبخت، ۱۳۸۸: ۴۰). چله‌خانه خانقاه بنیمان به صورت دو اتاقک با تزیینات بسیار هست. این دو چله‌خانه دارای شبکه‌های کاشی معرق است و یکی از چله‌خانه‌ها دارای تزیینات منحصر به فرد گچ کاری که شامل نقش‌های بسیار زیبایی از گل و بوته می‌باشد و در قسمت دیگر آن کتیبه از آیات قرآن به خط زیبای نسخ در آن کار شده است (اوکین، ۱۳۸۶: ۶۵). قبل از خانقاه بنیمان، پنجره‌های مشبک که با کاشی معرق تزیین شده‌اند در خانقاه بندرآباد با تنوع زیاد به کار رفته است (مجدزاده، ۱۳۳۸: ۱۰۰) و در دوران

تیموری ازاره‌های خانقاه را با کاشی‌های مسدس تزئین داده‌اند (تصویر ۱۴). همان‌گونه که مشخص است شبکه‌های کاشیکاری تیموری برگرفته از هنر دوره آل مظفر بوده و طبق نظر اوکین درباره هنر کاشیکاری تیموری، الگوهای چندانی در سده پانزدهم وجود ندارند که سوابق آن را نتوان در آثار مکتب مظفری و یا آثار ماورالنهر در سده چهاردهم یافت (اوکین، ۱۳۸۶: ۱۴۵). در خانقاه بنیمان ما شاهد یکی از قدیمی‌ترین تنگ‌بری‌های گچی هستیم که در بدنه چله‌خانه بکار گرفته شده است (تصویر ۱۱ و ۱۲). این نمونه تنگ‌بری‌ها در خانه‌های دوره آل مظفر نیز دیده می‌شود (میردهقان و زارعی و خادم‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۱۲). چله‌خانه خانقاه بنیمان برخلاف خانقاه بندرآباد دارای درب چوبی نفیسی می‌باشد که در بین شبکه کاشیکاری شده استقرار یافته است. این درب چوبی به صورت سه قاب با گره هندسی می‌باشد. خانقاه شیخ محمد دارای یک چله‌خانه کوچک و ساده می‌باشد که در قسمت چپ ورودی قرار دارد و دارای ابعاد ۲ در ۱ متر می‌باشد. چله‌خانه خانقاه شمسیه همانند خانقاه بندرآباد در گوشه بنا به صورت هشت‌ضلعی ساخته شده است. فضاهای چله‌خانه در خانقاه بندرآباد بسیار معمارانه طراحی شده به گونه‌ای که هیچ کدام از چله‌ها همانند یکدیگر نبوده‌اند. برخلاف بندرآباد چله‌خانه‌های شیخ بنیمان بسیار پرکار و دارای تزیینات متفاوت می‌باشد و خبر از رواج انواع چله‌خانه‌ها در این دوران می‌دهد. از جمله مشابهت‌های دیگر بین خانقاه شمسیه و بندرآباد می‌توان به ارتباط بین چله‌خانه و اتاق روبه حیاط خانقاه اشاره نمود که در خانقاه بندرآباد به افواه محلی، محل جلوس شیخ خانقاه بوده است. چله‌خانه خانقاه در منطقه یزد به دو گونه دسته‌بندی می‌شود. دسته اول در خانقاه‌هایی که در گوشه و یا کنار گنبدخانه محلی به صورت مستطیلی برای چله در نظر می‌گرفتند. در خانقاه شیخ محمد این فضای کوچک دیده می‌شود همین‌طور در خانقاه بیداخوید که ایجاد چله‌خانه در داخل گنبدخانه در انطباق با شرایط آب‌وهوایی منطقه هست. دسته دوم چله‌خانه‌هایی است که در اطراف حیاط دیده می‌شود (دیاگرام ۴). در دو نمونه مورد بررسی این چله‌خانه‌ها خود داخل فضای هشت‌ضلعی قرار دارند که این مجموعه در کنار حیاط و در پشت جداره رو به حیاط مستقر می‌گردد.



تصویر ۱۴: پنجره مشبک خانقاه بندرآباد. ماخذ عکس: نگارندگان



تصویر ۱۳: نمایی از چله‌خانه بیداخوید. ماخذ عکس: مرکز اسناد میراث فرهنگی یزد خانقاه بندرآباد. ماخذ عکس: نگارندگان



تصویر ۱۲: تزیینات تنگ‌بری خانقاه



تصویر ۱۱: نمایی از چله‌خانه خانقاه بیداخوید ماخذ عکس: مرکز اسناد میراث فرهنگی یزد

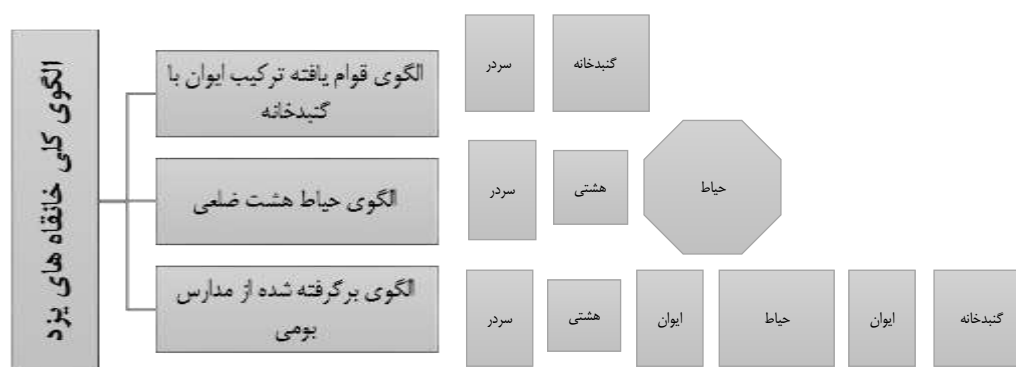


دیاگرام ۴. دسته بندی خانقاه های مورد بررسی براساس چله خانه. (ماخذ: نگارندگان)

۴- نتیجه گیری:

در نهایت پس از مطالعه خانقاه‌های این خطه می‌توان به سه گونه خانقاه دست پیدا نمود. گونه اول که بسیار شناخته شده هست به صورت گنبدخانه‌های تکی می‌باشد. این گنبدخانه‌ها که به صورت ترکیب ایوان ورودی یا ایوانچه با گنبدخانه می‌باشد در دوران ایلخانی محبوب‌ترین فضاسازی برای خانقاه محسوب می‌شده است. کثرت خانقاه‌های این دوره و سرعت ساخت ساز و حجم عملیات ساختمانی از جمله دلایلی برتری این طرح بر گونه‌های دیگر دارد. این خانقاه‌ها بسته به قدرت تمکن مالی بانیان دارای مقیاس‌های متفاوت می‌باشد. گونه بعدی الگوی حیاط‌های هشت‌ضلعی می‌باشد که در اطراف آن حیاط صفه‌سازی شده است. در این خانقاه‌ها برخلاف مدارس فضاهایی زیادی برای سکونت دائم در نظر گرفته نمی‌شده است و در هر دو نمونه بررسی شده اتاقی برای شیخ و جایگاهی برای چله به‌عنوان عناصر ثابت دیده می‌شود. این خانقاه‌های هشت‌ضلعی، ساده‌شده الگوی مدارس دوره ایلخانی- تیموری می‌باشند که در نقاط مختلف این سرزمین دیده می‌شود. الگوی نهایی، برگرفته‌شده از مدارس بومی می‌باشد که در این منطقه رواج داشته است. کثرت مدارس و خانقاه‌های ذکرشده در منابع تاریخی در دوره آل مظفر نشان از رواج ساخت فضاهای آموزشی در این دوران دارد بنابراین قابل پیش‌بینی است که برخی ویژگی‌های معماری مدارس در ساختمان فضاهای خانقاه نفوذ نماید. سادگی و محلی بودن مدارس از جمله عوامل تأثیرگذار بهره‌گیری در معماری خانقاه بوده که با مدرسه دارای مشابهت کارکردی می‌باشد. این الگو به واسطه بهره‌گیری از الگوی گنبدخانه و ایوان (الگوی اول) و حیاط (الگوی دوم) مترقی تراز دو طرح قبلی می‌باشد (دیاگرام ۵).

ساختار ساماندهی خانقاه بر سه شکل کلی سوار می‌باشد. در ساختار خطی همانند مدارس آل مظفر، فضاهای خانقاه بر روی یک محور به گونه پشت سرهم قرار می‌گیرند و مانند دانه‌های تسبیح در توالی یکدیگر تعریف می‌گردند. این نوع ساختار در خانقاه‌های بیدخوید و سراب نو دیده می‌شود. البته باید خاطر نشان نمود در خانقاه‌هایی که به صورت ترکیب ایوان و گنبدخانه نیز می‌باشند دارای این ساختار خطی بوده‌اند. (همانند خانقاه بابک میبید یا شیخ محمد خانقاه) ساختار شعاعی که انتظام فضایی آن بر حول دانه فضایی مرکز شکل می‌گیرد در خانقاه‌های حیاط دار مثنی دیده می‌شود و محور اساسی طراحی، حیاط نزدیک شده به دایره است. (مانند خانقاه شمسیه) در مجموعه تاریخی بندرآباد شاهد ساماندهی ترکیبی هستیم. در این خانقاه ساماندهی خطی ایوان و گنبد خانه با ساختار شعاعی حیاط هشت‌ضلعی تکمیل می‌گردد و در نهایت محور قوی خطی به وجود می‌آورد (تصویر ۱۵).



دیاگرام ۵. نتیجه گیری مطالعات. (ماخذ: نگارندگان)

تصویر ۱۵. اجزای فضا ساز گونه های خانقاه های یزد. (ماخذ:

نگارندگان: ۱۰۰)

سپاسگزاری

این مقاله برگرفته از بخش مطالعات تطبیقی پایان‌نامه کارشناسی ارشد داوود امامی میبیدی با عنوان «به‌سوی رویکردی جامع بر حفاظت و مرمت مجموعه خانقاه‌های سلطان محمود بندرآباد» به راهنمایی دکتر فرهاد تهرانی و مشاوره دکتر محمدرضا اولیاء در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد تهران مرکز است. بدین‌وسیله تشکر و سپاس فراوان خود را از استاد محترم دکتر عیسی اسفنجاری کناری و استاد محمود رحیمی بندرآبادی که متحمل زحمات بسیار شدند و راهنمای اینجانب در مشکلات بودند تقدیم می‌نمایم.

جدول ۳: اسامی و مشخصات کالبدی خانقاه‌های مورد بررسی و مقایسه تطبیقی بین آنها. (ماخذ نقشه‌ها: سازمان میراث فرهنگی استان یزد)						
ابعاد درگاه خانقاه بابک فیروزآباد میبند: ۰۰ ۷.۳*۶	ابعاد درگاه خانقاه شیخ محمد میبند ۵.۴*۵.۰	سردر خانقاه سراب نو(شیخداد) ابعاد سردر ۳.۵*۱.۳	ابعاد سردر خانقاه بنیمان بیداخوید ۲*۲.۳	ابعاد سردر خانقاه بندرآباد ۳.۵*۳	ابعاد سردر شمسیه ۲.۴*۶.۴ ۸	سردر
		شامل: سردر بلند، هشتی و ایوان	شامل: سردر، دالان کشیده چلیپایی	شامل: سردر بلند، هشتی، دالان و ایوانچه	شامل: سردر بلند، هشتی رفیع، دالان و ایوانچه	مکانیسم ورودی
ابعاد گنبدخانه: ۳.۶*۳.۶	ابعاد گنبدخانه ۳.۹*۸.۶	ابعاد گنبدخانه ۸.۵*۸.۵	ابعاد گنبدخانه ۵.۷*۷.۷			گنبدخانه
	چله خانه خانقاه شیخ محمد	چله خانه خانقاه بنیمان بیداخوید	چله خانه خانقاه بندرآباد	چله خانه خانقاه شمسیه(ملکتیه)		چله خانه
		ابعاد حیاط ۳.۱۱*۹		ابعاد داخلی حیاط ۱۵*۱۵	ابعاد داخلی حیاط ۱۷.۴*۴.۱۷	حیاط
		عرض هردو ایوان ۱.۶		ابعاد عرض ایوان اصلی ۷.۶ و بقیه ۷.۴	ابعاد عرض ایوان: ۶.۴	ایوان

پی نوشت

۱. خاندان آل مظفر سلسله‌ای بودند که از سال ۷۳۶-۷۹۵ه. ق در منطقه یزد و اصفهان و کرمان حکومت می‌کردند. در طی این سال‌ها به واسطه ثبات سیاسی و شرایط مساعد امنیتی و رشد و شکوفایی معماری، منجر به پیدایش سبکی مخصوص به خود شد که مورخان معماری آن را سبک مظفری یا سبک یزد نام داده‌اند (نک: دونالد ویلبر، معماری اسلامی ایران دوره ایلخانی، ص ۱۰۱ و ۳۶؛ خادمزاده، معماری دوره آل مظفر یزد)

۲. ساباط در متون تاریخی یزد به شکل‌های متفاوتی به کار رفته است. مجاورت ساباط با بناهایی مانند مسجد، مزار، خانه، مدرسه، خانقاه، باغ، کاروانسرا و حمام بوده است و بیشترین همجواری ساباط با خانه‌ها (نک: عیسی اسفنجاری ولیلا ذاکر عاملی، میبدشهری که هست، ص ۱۵۹-۲۰۷)

وبعد با باغ (نک: دونالد ویلبر و لیزاگلمبگ، معماری تیموری در ایران وتوران، ص ۲۴۶) هست. نگارنده مقاله‌ای تحت عنوان «گونه‌شناسی ساباط‌های یزد بانکیه برمتون تاریخی» در دست نگارش دارد که به تفصیل به موضوع ساباط‌ها می‌پردازد.

۳. در مجموعه‌های خانقاه‌های مانند بندرآباد در داخل خانقاه فضاهای زیادی در ارتباط با آب وجود دارد مانند مصنعه (آب‌انبار)، پایاب، حوض، حمام و سقاوه. درمتون تاریخی این ارتباط به شکل‌های متفاوتی دیده می‌شود مثلاً در خانقاه جمال الاسلام که در مجاورت مزار بوده چنین آمده است «و خانقاه عالی در جنب مقبره و نه‌ری در خانقاه جاری کرد». (نک: جعفری، تاریخ یزد، ص ۱۲۱)

۴. در متون تاریخی از چهار مناره برای مدرسه و خانقاه سخن رفته، امری که بعداً به‌وفور در مدارس تیموری مانند الخ بیک دیده می‌شود. وجود محل استقرار دو مناره در دو طرف سردر ورودی همانند مدرسه طبس و مدارس ترکی امری رایج بوده، امری که در شمسیه هم بکارفته و جفت مناره دیگر در روبروی آن بر روی خانقاه قرار داشته است. (نک: داوود امامی میبیدی، بازاندیشی معماری مدرسه شمسیه یزد، مجله پژوهش‌های مرمت و معماری ایرانی و اسلامی) این تقابل دوتایی از مناره‌ها همانطور که ویلبر در بخش مناره‌ها می‌گوید گواهی بر اصالت آن دارد درحالی که مناره‌های گوشه تیموری هیچ گواهی بر اصیل بودن طرح آن وجود ندارد و طرح آن تکامل و تحول یافته مناره‌های چهارتایی مدارس چهار مناره می‌باشد (نک: دونالد ویلبر و لیزاگلمبگ، معماری تیموری در ایران وتوران، ص ۱۲۰)

۵. مأخذ اصلی گزارش ثبت اثر در فهرست آثار ملی می‌باشد که به تغییرات اشاره نموده است و با توجه به شکل کمر پوش و نوع قوس به‌کاررفته در آن و همانندی آن با کمرپوش الحاقی سردر می‌توان به الحاقی بودن آن پی برد. همچنین با توجه به حذف کمرپوش الحاقی سردر ورودی در سال ۱۳۹۷ و پدیدار شدن کتیبه کاشی معرق اصیل بنا و مقایسه قوس‌های هشتی و ایوانچه‌ها با دوره‌های الحاقی به تثبیت نظریه الحاقی بودن کمر پوش‌ها کمک می‌کند.

۶. ایوانچه یا ایوانک که در فرهنگ‌نامه معماری ایران آمده به ایوان‌هایی با ارتفاع یا عرض کمتر از ایوان یا صفاه اصلی گفته می‌شود. در زمینه‌های هشت‌ضلعی به ایوان‌های واقع در بره‌های مایل که دهانه کوچک‌تر از ایوان اصلی دارند ایوانچه نامیده می‌شود. در کتاب معماری تیموری در ایران و توران، سلسله طاق‌های جناغی که به‌صورت طاق‌نماهایی صحن یا حیاط را دربر می‌گیرد، رواق نامیده است. (نک: دونالد ویلبر و لیزاگلمبگ، معماری تیموری در ایران وتوران، ص ۱۱۵) طاقچه‌های سه گانه انتهایی ایوان‌هایی مظفری به آن مادر و بچه یا شاه و وزیر (برگرفته از کتاب میبیدی شهری که هست و گزارش خانه‌های صفوی میبیدی) گفته می‌شود.

۷. نگارنده در مقاله‌ای جداگانه تحت عنوان «بررسی سیر تحولات کالبدی (کرونولوژی) مجموعه سلطان محمود بندرآباد» به تحولات کالبدی خانقاه بندرآباد پرداخته است. (نک: داوود امامی میبیدی، فرهاد تهرانی، محمدرضا اولیاء، ۱۳۹۷، کنفرانس ملی تحقیقات بنیادین در عمران، معماری و شهرسازی).

منابع:

- احمدی، فرهاد. (۱۳۸۴). شهر-خانه حیاط مرکزی درمعماری ایران. فصلنامه صفا. شماره ۴۱. پاییز وزمستان. تهران، ص ۹۰-۱۱۳
- استهری، هادی. (۱۳۸۹). پیدایش و گسترش خانقاه در ایران. نیمسال نامه تاریخ نو. شماره اول. پاییزوزمستان، ص ۳۷-۵۳ اسفنجاری، عیسی.
- (۱۳۸۴). پژوهش مسجد جامع ده نو میبیدی. مجله اثر. شماره ۳۸-۳۹. تهران: انتشارات میراث فرهنگی. ص ۳-۵۳
- افشار، ایرج. (۱۳۵۴). یادگارهای یزد، ج ۲ و ۱. معرفی ابنیه تاریخی و آثار باستانی خاک یزد. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی افشار، ایرج.
- (۱۳۷۷). خانقاه‌های یزد. یزدنامه، ج ۲، تهران: انتشارات یزد
- اناوکین، برنارد. (۱۳۸۶). معماری تیموری در خراسان. ترجمه: علی آخشینی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. چاپ اول
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۴۲). به عبرت نظر کن به آل مظفر. مجله یغما. شماره ۱۸۸. ص ۵۴۵-۵۵۱
- بلر، شیلا و جاناتان بلوم. (۱۳۹۱). خانقاه. در دانشنامه هنر و معماری. ترجمه: صالح طباطبایی. تهران، انتشارات متن
- بی‌نام، (۱۳۸۵). چشیدن طعم وقت، مقامات کهن ونویافته بوسعید، مقدمه، تصحیح وتعلیقات محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات سخن
- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۸۰). آشنایی با معماری اسلامی ایران. تدوین غلامحسین معاریان. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران. چاپ پنجم

- تشکری بافقی، علی اکبر. (۱۳۹۱). تصوف خانقاهی در یزد به روزگار ایلخانان و آل مظفر. پژوهش‌های ایران شناسی. سال اول. شماره ۲. بهار و تابستان. ص ۵۹-۸۲
- توسلی، حمیدرضا. (۱۳۷۶). آشنایی باخانقاه‌های تاریخی ایران. مجموعه مقالات اولین کنگره معماری و شهرسازی. به کوشش باقر آیت الله زاده شیرازی. ج ۵. تهران: سازمان میراث فرهنگی. ص ۳۷۹-۳۹۸
- جعفری، جعفر بن حسن جعفری. (۱۳۴۳). تاریخ یزد. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- جمال الدین ابوروح، لطف الله. (۱۳۸۴). حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر. مقدمه تصحیح و تعلیقات. محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: انتشارات سخن
- حسینی یزدی، سید رکن الدین. (۱۳۴۱). جامع الخیرات. به کوشش محمد تقی دانش پژوه و ایرج افشار. تهران: فرهنگ ایران زمین
- خادم زاده، محمدحسن. (۱۳۸۷). معماری دوره آل مظفر یزد. تهران: نشر همپا. با مشارکت سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان یزد
- ذاکر عاملی، لیلا واسفنجاری، عیسی. (۱۳۸۵). خانه‌های مظفری میبد. در میبد شهری که هست به کوشش عیسی اسفنجاری کناری. تهران: انتشارات میراث فرهنگی. چاپ اول، ص ۱۵۸-۲۰۷
- ذاکر عاملی، لیلا و جبل عاملی، عبدالله. (۱۳۹۲). بررسی سیر تحول ایوان در خانه‌های سنتی دشت یزد-اردکان از دوره مظفری تا قاجار. فصلنامه صفا. شماره ۶۲ پاییز. تهران. ص ۱۰۳-۱۱۸
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۹). جستجو در تصوف ایران. تهران: انتشارات امیرکبیر
- ستوده، حسینی. (۱۳۸۴). تاریخ آل مظفر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ دوم
- سلطان زاده، حسین. (۱۳۷۲). فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. چاپ نخست
- سلطانی، سینا و قیومی بیدهندی، مهرداد. (۱۳۹۳). معماری گمشده: خانقاه در خراسان سده پنجم. مطالعات معماری ایران. شماره ۶ پاییز و زمستان ص ۶۵-۸۶
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۲). نظام خانقاه در قرن پنجم به روایت ابن قیسرانی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. سال ۲۶. شماره ۳ و ۴. پاییز و زمستان. ص ۵۷۳-۶۳۰
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۹). مقدمه اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابوسعید. در: محمد بن منور. اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابوسعید. ج ۲، تهران: انتشارات آگه
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۴). نوشته بردریا. میراث عرفانی ابوالحسن خرقانی. تهران: انتشارات سخن. چاپ اول
- شمس، شرکت مهندسان مشاور. (۱۳۸۵). گزارش مطالعات ثبت شهرتاریخی یزد در فهرست آثار ملی. پایگاه میراث فرهنگی شهر یزد. بهار
- صیرفیان پور، مصطفی و حمزه نژاد، مهدی. (۱۳۹۷). سلسله مراتب تشخیص عناصر شهر در ارسن شهری در سبک‌های شهرسازی دوران اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی. شماره بیست و یکم. زمستان. ص ۸۵-۱۰۲
- عابدنیا، جمال؛ یوسف جمالی، محمد کریم و میرحسینی، محمد حسن. (۱۳۹۳). اوضاع فرهنگی یزد در قرن هشتم هجری. پژوهشنامه تاریخ. شماره ۳۵. ص ۱۷۳-۱۹۸
- قدردان، رضا و وثیق، بهزاد. (۱۳۹۵). مفهوم آموزش و تأثیر آن در معماری مدارس اسلامی (مقایسه‌ی تطبیقی مدارس سلجوقی و صفوی). مجله پژوهش‌های معماری اسلامی. شماره دوازده. پاییز. ص ۴۰-۵۶
- کاتب، احمد بن حسین بن علی. (۱۳۴۵). تاریخ جدید یزد. تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین
- کیانی، محمد یوسف. (۱۳۸۱). تاریخ هنر و معماری ایران در دوره اسلامی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی دانشگاهها. چاپ چهارم
- کیانی، محسن. (۱۳۸۹). تاریخ خانقاه در ایران. تهران: انتشارات طهوری. چاپ دوم
- مجدزاده صهبا، جواد. (۱۳۳۸). آثار تاریخی بندرآباد یزد. مجله باستانشناسی. شماره اول. ص ۹۶-۱۰۴
- محمد بن منور. (۱۳۸۹). اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابوسعید. مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمدرضا شفیعی کدکنی. ج ۲. تهران: آگه
- مستوفی، محمد. (۱۳۸۵). جامع مفیدی. تهران: انتشارات اسدی. چاپ دوم

- معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۷). معماری ایرانی. تهران: انتشارات سروش دانش. چاپ اول
- میرحسینی، محمد حسن. (۱۳۷۲). یزد از ظهور تا سقوط آل مظفر. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. دانشکده ادبیات
- میردهقان اشکذری، سیدفضل الله؛ زارعی، محمدابراهیم و خادم زاده، محمد حسن (۱۳۹۵). تزیینات معماری مسکونی دوره آل مظفر در منطقه یزد و جایگاه آنها در خانه های این دوره. مجله مطالعات معماری ایران. شماره ۹. سال پنجم. بهار و تابستان. ص ۱۰۱-۱۲۲
- ناری قمی، مسعود. (۱۳۹۴). الگوهای کالبدی حسینییه ها: ریشه ها و تحولات. مطالعات معماری ایران، شماره ۹. سال پنجم. بهار و تابستان. ص ۲۵-۴۶
- نیکبخت، محمدرضا. (۱۳۸۸). خانقاه و آرامگاه چلبی اوغلو. تهران: انتشارات گنج هنر. چاپ اول
- ویلبر، دونالد و گلمیگ، لیزا. (۱۳۷۴). معماری تیموری ایران و توران. ترجمه: کرامت الله افسر و محمد یوسف کیانی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور. چاپ اول
- ویلبر، دونالد. (۱۳۹۳). معماری اسلامی ایران در دوره ی ایلخانی. ترجمه: عبدالله فریاری. تهران: نشر علمی و فرهنگی
- هرذگ، کلاوس. (۱۳۷۶). ساختار شکل در معماری اسلامی ایران و ترکستان. تهران: انتشارات بوم. چاپ اول
- همدانی، رشیدالدین فضل الله. (۱۳۵۶). وقف نامه ربع رشیدی. مجتبی مینوی و ایرج افشار. تهران: انجمن آثار ملی
- هیلن برند، رابرت. (۱۳۸۳). معماری اسلامی: فرم، عملکرد، معنا. ترجمه: باقر آیت الله زاده شیرازی. تهران: انتشارات روزنه. چاپ دوم

Original Research Article

Study of the architecture of khaneghah in Yazd

Davood Emami meybodi^{1*}

1-Architecture Department of Payame Noor University of Yazd

Abstract

From the beginning of the fifth century (AH), when the Shiite government of Buyids was established in the era of Muzaffarids, there was stability in the social and economic activities in Yazd, so that it suffered less social ups and downs. As a result, Yazd provided a suitable environment for urban activities. These conditions caused Sufi mystics and Sheikhs such as Sheikh Dada, Sheikh Ali Benyaman and Sheikh Ahmad Fahadan to settle in this area, and Yazd became known as one of the centers of Sufism. Considering the pervasion of the monasteries in historical texts, their importance and place in architectural history have not been addressed in the literature. In this research, we first introduce the monasteries mentioned in historical sources, from the Atabakan era to Timurids in Yazd. Considering that most of the monasteries mentioned in the historical texts belong to the Muzaffarids era, this article focuses on Muzaffarids era. The research that this article is part of has been based on historical documents as well as field studies. This is an analytical- historical research, and its historical textx such as Yazd History Book, Yazd Modern History and Mofidi Jame' Book have been the most important sources used. The physical components of the monastery were open, semi-open and closed spaces manifested in places such as Rough Opening, Sahn, Sofeh, Jam' Khaneh, Cell, Pray Room, Chelleh Khaneh, Dome Chamber and Roof. The functions of the monastery were realized by the mentioned spaces. In this article, after the architectural features of monasteries in the historical texts are introduced, the architectural spaces of the existing monasteries are introduced and comparatively studied. This comparative account has been used to reach the type of the architectural patterns of Yazd monastery. Finally, three types of architecture are introduced for Yazd monasteries. The first model is a combination of a dome chamber and opening iwan, the second one has octagonal courtyards. Finally, the third type of monasteries is modeled on local schools .

Keywords: Khaneghah, Architecture, Yazd, Typology